



زندگی مهدوی

محمد رضا فوادیان

سید اللہ احمد

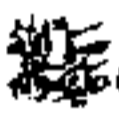
زنگی
مہارو

محمد رضا فوادیان



| | |
|-------------------------|--|
| سرشناسه | : فوادیان، محمدرضا، ۱۳۵۱ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : زندگی مهدوی / محمدرضا فوادیان |
| مشخصات نشر | : قم: سبط النبی، ۱۳۸۸ |
| مشخصات ظاهر | : ۱۰۴ صفحه |
| شابک | : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۲۴۰ - ۰۹ - ۲ |
| وضعیت فهرست نویسی: فیبا | |
| یادداشت | : کتابنامه به صورت زیرنویس - |
| موضوع | : مهدویت |
| موضوع | : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - |
| موضوع | : زندگی مهدوی |
| شناسه افزوده | : بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود: شعبه آبادان - خرمشهر |
| رده بندی کنگره | : ۱۳۸۸ / ۹ / ۴ / ۲۲۴ BP |
| رده بنده دیویی | : ۲۹۷ / ۴۴۲ |

زندگی مهدوی

| | |
|-------|--|
| مؤلف | : محمدرضا فوادیان |
| ناشر | : سبط النبی  |
| چاپ | : اول / ۱۳۸۸ |
| قیمت | : ۱۵۰۰ تومان |
| تیراژ | : ۵۰۰۰ نسخه |
| شابک | : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۲۴۰ - ۰۹ - ۲ |



مرکز پیشه قم / هیابان صفائییه / کوه ممتاز / کوه قتمی / پلاک ۱۷ و ۱۹
 تلفن: ۴ - ۷۷۴۵۰۷۳ فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵ همراه: ۹۱۲۵۵۳۳۲۱۱
 صندوق پستی: ۱۱۳۳ - ۳۷۱۵۳ بخش تهران: ۹۱۲۷۵۴۵۲۰۵
 همراه: ۹۱۶۱۳۱۰۹۸۴ آبادان / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود



Sebtunabi.com
 info@sebtunabi.com



زندگی مهدوی

● محمدرضا فوادیان

فهرست مطالب

- ۹ سلام -----
- ۱۰ داستان زندگی -----
- ۱۵ پنجره -----
- ۱۷ زندگی مهدوی چیست؟ -----

فصل اول: شناخت

- ۲۴ نیاز -----
- ۲۷ سوال حیاتی اول -----
- ۲۹ جشن تولد -----
- ۳۴ سوال حیاتی دوم -----
- ۳۷ راه -----

دست انداز ----- ۳۹

سرنوشت ----- ۴۲

فصل دوم: عشق

سنبجش عشق ----- ۵۲

عشق برتر ----- ۵۴

نقطه تمرکز ----- ۵۵

نجات ----- ۶۳

لذت ----- ۶۷

آرزو ----- ۷۲

دل دادگی ----- ۷۳

رفاقت ----- ۷۷

فصل سوم: رفتار

۱- یادگیری و یاد دادن احادیث مهدوی ۷۹

۲- پیوسته به یاد امام علیه السلام بودن. ----- ۸۲

۳- برگزاری و شرکت در مجالس مهدوی ۸۳

۴- بیعت ----- ۸۳

۵- دعا ----- ۸۴

۶- فضاسازی مهدوی. ----- ۸۴

۸۶ ----- حرف آخر

۸۷ ----- سوالات ارزیابی

۹۳ ----- خدانگهدار

۱۰۱ ----- سوالات مسابقه

۱۰۴ ----- پاسخنامه

سلام

تاکنون آدم گرفتاری را دیده‌ای که وقتی از او پرسید:
چطوری؟ با تبسم بگه الحمدالله.

انسانی را دیده‌ای که همیشه بگوید: خسته شده‌ام، چقدر
زحمت؟ همه‌اش بدبختی، یک روز خوش ندارم، این چه
زندگی‌ای است؟ و...

به نظر شما زندگی چیست؟ معیار زنده بودن به چیست؟
معنی و مفهوم زندگی چیست؟ اهداف و اولویت‌های زندگی
چیست؟

درباره‌ی زندگی چگونه فکر می‌کنید؟ چه احساسی از زندگی دارید؟ چه کارهایی انجام می‌دهید؟ چشمتان را از چه چیزی پر کرده‌اید؟

«زندگی مهدوی» پاسخ مناسب و مثبت به این گونه سؤالات است، اگر افکار، احساسات و رفتارهای هر شخصی، مهدوی باشد، زندگیش همراه با موفقیت است.

زندگیتان را مانند پروانه بسازید که همواره دور شعله فروزان می‌چرخد. هرچه از شمع آفرینش در این عصر و زمان فاصله بگیرید در قعر تاریکی‌ها پیش می‌روید و طعم زندگیتان تلخ و لحظات آن ظلمانی و بی‌محتوا است.

اگر زندگی را از عطر گل نرگس پر سازید، هیچگاه سختی‌های دوران و پستی و بلندی‌های روزگار شما را خسته و اسیر نمی‌سازد، و همواره شاد، با صفا و راحت هستید.

داستان زندگی

دو روز مانده به آخر عمرش، فهمید که اصلاً زندگی نکرده است و تمام روزهای تقویم عمرش پر شده بود. آشفته

و عصبانی به خدا شکایت کرد و از خدا خواست تا روزهای بیشتری به او بدهد. داد و بیداد کرد. خدا سکوت کرد. آسمان و زمین را به هم دوخت. خدا سکوت کرد. جار و جنجال به راه انداخت. خدا سکوت کرد. به پای فرشتگان و دیگران پیچید. خدا سکوت کرد. دلش گرفت و گریه کرد و به سجده درآمد. خدا سکوتش را شکست و آرام و دل‌نشین فرمود: «عزیزم همین یک روز را از دست نده، همه را به جار و جنجال نگذران. لا اقل همین امروز را زندگی کن.»

با صدای گرفته و حق‌حق کنان گفت: اما یک روز چه کاری می‌توان کرد...؟

بهش گفتند: آن کس که لذت یک روز زیستن را تجربه کند، گویی هزار سال زندگی کرده است. آنکه امروزش را درنیابد، هزار سال هم به کارش نمی‌آید. اگر می‌خواهی دستانت را جلو بیاور تا سهم یک روز به تو داده شود.

آنگاه سهم یک روزش را گرفت و رفت تا زندگی کند. مات و مبهوت به چیزی نگاه می‌کرد که در کف دستانش می‌درخشید. می‌ترسید تند برود که مبادا زندگی از کفش برود و به زمین افتد. قدری ایستاد. فکر کرد و گفت: وقتی فردایی

ندارم نگهداشتن امروز چه فایده‌ای دارد؟ بگذار این یک مشت زندگی را مصرف کنم. آن وقت شروع به دویدن کرد. زندگی را به سر و رویش پاشید. زندگی را بویید و نوشید، چنان سر حال شده بود که می‌توانست تا ته دنیا بدود. می‌دوید، بال می‌زد و...

او آن روز به دنبال چیزی که همیشه بود، نبود. به فکر آسمان خراش، مالک شدن زمین، به دست آوردن مقام، پول، ثروت نبود. فقط و فقط خرج کرد. آسمان را نگاه کرد. گل‌ها را تماشا می‌کرد، به دیگران سلام می‌کرد، به یاد حجت خدا بود. راه تازه پیدا کرده بود. چشم مهربانی که او را می‌دید. سبک شد. سرشار شد، عاشق شد، عبور کرد و تمام شد. او همان یک روز زندگی کرد. اما فرشته‌ها در تقویم او نوشتند: کسی که گویا هزار سال زیسته بود، درگذشت. کسی که حقیقت را یافته بود، درگذشت. کسی که مفهوم زندگی را درک کرده بود کسی که یک بار در برابر خدا سکوت کرد، کسی که با امامش پیوند خورد. کسی که ارزش دارایی خود را دانست، درگذشت.

وقتی قرار است روزی به سفر برویم، پس چرا الان زندگی
نکنیم؟ چرا زندگی خود را متناسب با آینده و فردا قرار
ندهیم؟ زندگی مهدوی، چگونه زیستن برای فردایی عالی
است. امیدوارم تجربه‌اش کنید.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

آبادان - خرمشهر - مسعود دریس

پنجره

عشق ورزیدن، زمین خوردن و برخاستن، تحمل مشکلات،
تلاش‌های بی‌وقفه و شبانه‌روزی، نالیدن و حرص خوردن،
مضطرب و پریشان خاطر بودن را زندگی نامیده‌ایم، اما آیا
حقیقت زندگی همین است؟ این زندگی، نفس کشیدن در
قبرستان تکرارهاست؟ آیا خداوند متعال شما را برای همین
زندگی که دارید، خلق نموده است؟ همه روزه با فکرهای
اشتباه و کارهای غلط نفس می‌کشیم، جملات و کلمات آلوده
و مسموم را به هم دیگر القا می‌کنیم بعضی از روزها به اندازه -
ی یک عمر غصه بیهوده می‌خوریم و بیهوده دلمان را خوش

می‌کنیم که داریم زندگی می‌کنیم. اما واقعا این زندگی است؟ آیا ما زنده هستیم؟ آیا ما حیات داریم؟ حیات ما در گرو چیست؟ ما چگونه باشیم، زنده هستیم و زندگی می‌کنیم؟ زندگی مهمانی است؛ اگر می‌خواهید در این مهمانی خوش بگذرد، میزبان را بشناسید. برای چه و به خاطر وجود چه کسی ما به این مهمانی دعوت شده‌ایم؟

پس از سال‌ها، ارائه مباحث مهدویت، احساس کردم عزیزان شرکت کننده در کلاس‌ها، همایش‌ها و سخنرانی‌ها بسیار مایلند زندگی‌شان مهدوی باشد و بحث‌ها و نظریه‌ها حالت کاربردی به خود بگیرد و سرتاسر زندگی آنان پر از موفقیت و عنایت باشد. لذا تصمیم گرفتم این اثر را تقدیم کنم.

از آنجایی که موفقیت، فرایندی گام به گام است و از مراعات یک رشته اصول ساده و نظم و انضباط‌های جزئی به دست می‌آید، هم چنان که یک قصر با شکوه، به تدریج و با نهادن آجری بر آجر دیگر شکل می‌گیرد، زندگی مهدوی نیز بسیار ساده و گام به گام شکل می‌گیرد. هواپیما هم برای پرواز ابتدا باید بر روی باند حرکت کند و بعد شتاب بگیرد تا سپس از جایش بلند شود و در آسمان آبی پرواز کند. شما نیز

برای پرواز در آسمان زندگی مهدوی، به زمین و زمینیان نیاز دارید.

زندگی مهدوی چیست؟

زندگی با حجت حی و حاضر را زندگی مهدوی می گویند. کسی که خود را وقف امام زمان علیه السلام می نماید و همه نیروها و توانها و امکاناتش را در راه امام صرف و خرج می کند زندگی مهدوی دارد.

نفس کشیدن با یاد حضرت و خود را وقف امام زمان علیه السلام کردن شالوده اساسی این زندگی است ما، امامی داریم که بر همه ی احوال ما آگاه است و هیچ چیز در این جهان گسترده از نگاه نافذ او پوشیده نیست. همه ی ارزش ما اوست. او رمز حیات و هویت ماست. اگر او بخواهد، هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند به ما آزار و اذیت برساند او از ما غافل نیست. غفلت نکردن از او زندگی مهدوی است. به قول حافظ:

هرگز حدیث حاضر غایب شنیده‌ای

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

مهدویت یعنی حرکت، کوشش، تلاش، امید، ایثار، نشاط، بی‌اعتنا به همه‌ی قدرت‌های پوشالی دوری از یأس و ناامیدی و خستگی و زندگی مهدوی یعنی همه‌ی این مطالب.

زندگی اندیشمندانه، جوانه زدن، رویش و پویش، داشتن عشق و آرزو، طرح و عمل و برقراری رابطه بر اساس رابطه ولایتی بین انسان و امام پایه و اساس زندگی مهدوی است.

همه‌ی زندگی‌ها براساس اخلاق، رفتار و اعتقاد است. هویت مهدوی یافتن این سه مورد، زندگی مهدوی است. حیاتی که روش، منش، کنش، نگرش و بینش آن بر اساس آموزه‌های مهدویت باشد، زندگی مطلوب مهدوی است.

زندگی مهدوی، زمینه‌ساز است. تحقق فرج و ظهور امام زمان علیه السلام رکن اصلی این زندگی است. ما معتقدیم زمان بدون حجت و امام ممکن نیست، هیچ‌گاه زمین و زمان از حجت خالی نبوده و نیست و این حجت شاهد و ناظر می‌باشد. چشم خداوند متعال در میان همه‌ی موجودات هستی است، لذا نمی‌توان بدون امام زندگی کرد. اگر چه این امام از چشم‌ها غایب باشد. احساس حضور این حجت در همه حال زندگی مورد نظر است.

زندگی مهدوی ذوب و حل نشدن در فساد جامعه است. دل نبستن به انحرافها و سعی و تلاش برای کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام، عشق آگاهانه یافتن و تعهد به اهداف امام عصر علیه السلام مدل زندگی مهدوی است.

زندگی و حیات دو نوع می باشد: الف: زندگی طیبه یا همان زندگی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است. «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد»

ب: زندگی جاهلی: (من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة؛^۲ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد [علاوه بر زندگی جاهلی] به مرگ جاهلیت می میرد) زندگی بدون امام مهدی علیه السلام زندگی کردن در میان تار عنکبوت است^۳ یعنی سست ترین خانه ی دنیا را برای زندگی انتخاب کرده است.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۲. علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶ - ۹۳ بابتی را با همین عنوان نگاشته و چهل حدیث در این موضوع با الفاظ نزدیک به هم بیان کرده است.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۱ ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

اگر دل بستگی به غیر از امام در زندگی باشد، ناکامی و محرومیت ثمره آن زندگی است. تنها روزنه‌ای که در مشکلات، چشم و چراغ و مایه آسایش و آرامش زندگی می‌شود، پای بند بودن به مقدس‌ترین پیام آسمانی یعنی امامت است. زندگی با یاد و نام یوسف زهرا مایه‌ی صفای جان است. «تمام متخصصین روان پزشکی معتقدند: اتکاء به

یک حقیقت می‌تواند موجب صفای دلها باشد.»^۱

زندگی مهدوی یعنی جوری زندگی کنیم که اگر فردا، روز ظهور باشد کاملاً آمادگی استقبال از حضرت را داشته باشیم.

اگر به شما بگویند فردا روز ظهور است چه کاری انجام می‌دهید؟ اگر واجبی بر عهده باشد، سریع در ادا کردن آن بر می‌آئید. اگر در رفتار، اعتقادات عیب و نقصی باشد، سعی در برطرف کردنش می‌شوید؟ یعنی: توجه قلبی به امام تا فردا بسیار می‌شود و کارهایی که سبب نگرانی می‌شود اصلاح می‌شود. دیگر تا فردا همه‌ی توان برای دنیا نیست می‌خواهد فردا

در زمره یاران حضرت قرار بگیرد، باید ویژگی‌های یاوران را تحصیل کند، زندگی‌اش را مهدوی سازد.

پس چرا الان این گونه زندگی نکنیم؟ کسی که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام دارد، ظهور ایشان را نیز نزدیک می‌داند و کسانی که اعتقاد راسخ ندارند، ظهور را بسیار دور می‌دانند، همان گونه که در دعای عهد می‌گوییم: ما ظهور را نزدیک می‌دانیم و آنها دور می‌پندارند:

«انهم یروونه بعید و نراه قریبا»

بنابراین مهم‌ترین شاخصه‌های زندگی مهدوی عبارتند از:

- زندگی هدف‌مند

- زندگی زمینه‌ساز

- زندگی آینده‌ساز

- زندگی برای حیات جاودانی

فصل اول: شناخت

زندگی مهدوی با یک سری شناخت ها حاصل می شود و شناخت ها از راه تفکر پیدا می شود ادامه ی فکر، شناخت و ادامه شناخت، عشق و ادامه عشق، رفتار و مجموع اینها زندگی است.

فکر ← شناخت ← عشق ← رفتار = زندگی

برای حاصل شدن و ساختن بنای یک زندگی مهدوی ابتدا
باید فکر کنید که اولین نیاز چیست؟

برای زنده ماندن جسم اولین نیاز، آب و غذاست. برای
زنده شدن و ادامه‌ی حیات اولین نیاز چیست؟

نیاز

خوب فکر کنید اولین نیاز شما در زندگی چیست؟ بدون
چه چیزی و چه کسی نمی‌توانید زندگی کنید؟ اگر
می‌خواهید در زندگی به کمال رضایت برسید، یک راه بیشتر
وجود ندارد و آن این است که ببینید چه چیزی از همه چیزها
بیشتر نیاز شماست و آن را بطلید.

تمام حرکات و کارهای هر روز انسانها برای رفع
نیازهاست. هر انسانی نیازهای متفاوتی با دیگری دارد و همه
این نیازها یا کاذب و یا صادق است. هر نیازی که به بلوغ
برسد، برای پاسخ، حرکت، تحول، نوآوری و شکوفایی
می‌آفریند. تاکنون فکر کرده‌اید که کارهای شما پاسخ به
کدام نیاز شماست؟ برخی برای پاسخ به نیاز مالی و اقتصادی

در تکاپو هستند. شما یا خودتان از این گروه هستید، یا خیلی‌ها که جزء این گروه هستند را دیده‌اید.

از آنجایی که نیازهای مادی روز به روز پیش رفته، متنوع و گسترده‌تر می‌شود، حرکت‌ها نیز متوقف نمی‌شود، اما کسانی که قله‌های بلند آن را فتح کرده‌اند، احساس رضایت و شادی ندارند. برخی هم برای پاسخ به نیاز شهرت و نام‌آوری، تلاش و جدیت دارند و بعد از رسیدن به آن، احساس رضایت و لذت ندارند و روح بزرگشان احساس کمبود می‌کنند.

تاکنون انسان‌های بسیار بزرگی مانند دانشمند، تاجر و ثروتمند، چهره‌های شاخص سیاست، ورزش و هنر و آدم‌هایی که خیلی‌ها به حال آنها غبطه می‌خورند و دوست دارند لحظه‌ای جای آنان باشند را دیده‌ام و با آنان به طور خصوصی گفتگو کرده‌ام و پی به خلاء آنان برده‌ام، همیشه از خود پرسیده‌ام، چه مسئله‌ای روح بزرگ بشر را پاسخ جامع و کامل می‌دهد؟ انسانها با رسیدن به چه گزاره‌ای پاسخ خود را می‌یابند؟ چه چیزی انسان را سیر می‌کند؟ با یافتن چه آموزه‌ای احساس اطمینان، رضایت و لذت داشته و دارد؟ و خواهد برد؟

اگر روزی تشنه و نیاز به آب داشته باشید، به شما هر چه طلا و نقره بدهند، به درد شما نمی‌خورد. اگر روزی احتیاج به داروی خاصی برای درمان بیماری خود داشته باشید، حاضرید برای به دست آوردنش به آب و آتش بزنید. تاکنون به دنبال چه چیزهایی بوده‌اید که با به دست آوردنش، احساس بی‌نیازی کرده‌اید؟ و تمام وجودتان آرامش و راحتی شده باشد؟

به راستی چه چیزی دنیا و آخرت مرا ساخته و قانع و سربلندم می‌سازد. دنیا و آخرت مرا پر از شادی و لذت می‌کند. با به دست آوردن و زندگی با آن تمام نیازهای من پاسخ داده می‌شود؟

«امام مهدی علیه السلام اولین و تنهاترین نیاز زندگی است»

عارف کامل مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حسن علی اصفهانی رحمته الله که از کودکی زندگی‌اش بر اساس عبودیت و ریاضات شکل گرفته بود، می‌گوید: من می‌توانم کاری انجام دهم که مردم با کوبیدن درب خانه‌ام مشکلاتشان حل شود، بدون این که

مشکلاتشان را به من بگویند، ولی چون موجب سست شدن اعتقاد مردم به حرم امام رضا علیه السلام می شود آن را انجام نمی دهم. چنین شخصیتی در اواخر زندگی اش می نویسد: «ای کاش این اذکار و ختومات و این اوراد و زحمات را در راه نزدیک شدن و تقرب به امام زمان علیه السلام انجام می دادم.»^۱

خالق متعال برای پر کردن تمام خلأهای بشر و پوشش تمام نقطه ضعف های انسانیت، انسان کامل را آفریده است. راه بهره بردن از این انسان کامل در این عصر و زمان پاسخ به این دو سوال مهم است.

❁ سوال حیاتی اول

اگر زندگی شما مهدوی نباشد چه کسی زیان و ضرر می کند؟ شما یا امام؟

در صورت مهدوی شدن زندگی، چه کسی نفع می برد؟ شما یا امام؟ در طول تاریخ عده ای از گوش کردن به سخنان و پیروی از حجت های الهی خود را بی نیاز دانستند. مثلاً در

گوش خود پنبه قرار می‌دادند تا سخنان حق را نشوند. انگشتان خود را در گوش فرو می‌بردند تا کلام دل‌نشین وحی را نشنوند! ﴿وَجَعَلُوا أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ﴾^۱ حالا چه کسی ضرر کرده است؟ پیامبر یا آنها؟

بیست و پنج سال امیرمومنان را خانه نشین کردند. چه کسی ضرر کرد؟ بر حجت خدا صلح تحمیل کردند، امام زمانشان را زیر تیغ بردند، به اسارت کشاندند، روی گرداندند، تبعید کردند، به زندان انداختند، چه کسی دچار خسارت شد؟ معصوم یا مردم؟ آیا از حجت‌های الهی ذره‌ای کم شد؟ ما سر تا پا نیاز و خداوند متعال و خلیفه‌اش غنی از هستی است. تمام هستی محتاج امام زمان علیه السلام است.

وقتی انسان به این حقیقت توجه کرد و سر خود را از پيله-ای که سال‌ها به دور خود تنیده بیرون آورد، تولد دوباره می-یابد، چنانچه تمام حواسش را به حجت حی و حاضر معطوف سازد، زندگی مهدوی را آغاز کرده است.

* تولد زندگی مهدویتان مبارک باد *

❁ جشن تولد

دو سال پیش برای سخنرانی در همایش بزرگ «غدیر و مهدویت» به شهرستان آبادان دعوت شدم. بعد از اتمام همایش، آقای نردم آمد و بعد از صحبت درباره مسائل مختلف مهدوی تاریخ تولدش را گفت که مایه تعجب من شد. او می‌گفت یک سال است که متولد شده است. وقتی تعجب مرا دید، این‌گونه توضیح داد؛ سال قبل امام زمانم علیه السلام را شناختم و از روزی که او را شناختم و نیازم را به او فهمیدم، تولد نو و دوباره یافتم.

آن چه برای من مایه عبرت است، نحوه زندگی و نوکری او به محضر مولاست. وی همیشه برای خود تاریخ مرگ مشخص می‌کند. مثلاً می‌گوید تا سه ماه دیگر تا فلان تاریخ زنده‌ام. و هر چه می‌تواند تا آن زمان برای بسط و گسترش فرهنگ مهدوی تلاش می‌کند. اگر از دنیا نرفت، تاریخ بعدی را مشخص می‌کند و تا آن تاریخ جانانه و عاشقانه تلاش می‌کند. وقتی علت این کارش را پرسیدم، گفت: در قرآن آمده است:

هر کس که از دار دنیا می‌رود به خدا می‌گوید: خدا مرا برگردان تا شاید عمل صالح انجام دهم. همه جواب می‌شنوند هرگز شما را بر نمی‌گردانیم.^۱

خداوند متعال با تولد دوباره‌ام، زندگی و حیات جدیدی به من هدیه کرد. گویا من گفته باشم مرا برگردان و خدا فرموده است شما را استثنائاً برمی‌گردانیم. و من برگشتم. حالا می‌خواهم چه کاری انجام بدهم؟ به نظر شما اگر خواسته باشم عمل صالحی انجام دهم، آیا عمل صالحی بالاتر از کار کردن درباره مهدویت وجود دارد؟ اگر امروز به ما بگویند شما چند روز دیگر بیشتر زنده نیستی، چه کار می‌کنیم؟ آیا همین زندگی را ادامه می‌دهیم؟ یا سعی می‌کنیم این چند روز باقی مانده کارهای دیگری مثل نماز و روزه و انفاق انجام دهیم؟ کدام یک از ما یقین داریم تا چند روز دیگر زنده هستیم؟ پس چرا هم اکنون زندگی مهدوی را شروع نکنیم؟

۱. سوره مومنون، آیه ۹۹ و ۱۰۰ ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ۗ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾

دیدم حرفش حساب است. این سخن حساب را با یک سوال بسیار مهم که برخی از آن غافلند پذیرا باشید. سوال مهم این است:

زندگی مهدوی برای شما هدف است یا وسیله؟

بسیاری از انسانها به این مسئله در تمام زندگی توجه نمی‌کنند. باید این مطلب را به خاطر بسپارید که هدف از وسیله مهم‌تر است. اگر کسی زندگی‌اش را برای به دست آوردن غیر خدا، مهدوی کند، فایده‌ای ندارد. یعنی کسی که می‌خواهد از مهدویت زندگی مادی تهیه کند بداند وسیله بزرگی را برای خواسته کوچکی انتخاب کرده است و روزی که به خواسته خود برسد احساس فقر و نیاز مادی می‌کند. اما اگر بودن و معیت با امام زمان علیه السلام هدف زندگی باشد، هر چه به آن نزدیک می‌شوید احساس رضایت بیشتری دارید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مردم نسبت به ما سه گروهند: دسته‌ای انتظار قائم ما را به این امید دوست دارند که از دنیای ما بهره مند شوند. سخنان ما را می‌گویند و حفظ می‌-

کنند اما از برنامه‌های عملی ما کوتاهی می‌کنند. خدا آنان را به دوزخ می‌کشد. فرقه‌ای ما را دوست دارند، گفتارمان را می‌شنوند و در عمل هم کوتاهی نمی‌کنند اما منظورشان تنها دنیا و شکم است. خدا شکم‌های آنها را پر از آتش خواهد کرد و گرسنگی و تشنگی را بر آنان مسلط سازد و گروه دیگر ما را دوست دارند، سخنانمان را به خاطر سپارند. فرمانمان را اطاعت کنند و در عمل با ما مخالفت ننمایند و آنها از ما و ما از آنها هستیم.»^۱

راستی چرا برخی از زندگی مهدوی واهمه دارند؟ چرا با این که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام دارند، عاشق او هستند، ولی زندگی مهدوی را اختیار نمی‌کنند؟ فکر می‌کنم در دل آنان دو محبت وجود دارد. به قول معروف «هم خدا را می‌خواهند

۱. تحف العقول، ص ۶۲۲. «افترق الناس فینا علی ثلاث فرق؛ فرقه احبونا انتظار قائمنا لیبیوا من دینانا، فقالوا و حفظوا کلامنا و قصر و اعن فعلنا، فسیحشرهم الله الی النار و فرقه احبونا و سمعوا کلامنا و لم یقصر و اعن فعلنا، لیئا کلوا الناس بنا فیمل الله بطونهم ناراً یسلط علیهم الجوع و العطش و فرقه احبونا و حفظوا قولنا و اطاعوا امرنا و لم یخالفوا فعلنا فاولئک منا و نحن منهم».

و هم خرما را» اگر چه ما معتقدیم زندگی مهدوی در بر گیرنده تمام خوبی‌ها، لذت‌ها، شادی‌ها، نشاط‌هاست و هیچ گاه این زندگی سبب از دست دادن لذت‌ها و زندگی توام با رنج و سختی و دست و پنجه نرم کردن با محرومیت‌ها و گرفتاری‌ها نیست.

شما چگونه‌اید؟ آیا در دل شما دو محبت وجود دارد؟ آیا عواطف شما مخلوط است؟ آیا به هنگام حرکت، چند متر به جلو و یک متر به عقب می‌روید؟ آیا می‌پندارید که با امام زمان علیه السلام زندگی کردن مساوی با برخی از محرومیت‌هاست؟ اگر با یاد و نام او زندگی کنید دچار رنج و لذت می‌شوید؟ یعنی هم خوشحالید که خیلی چیزها را به دست آورده‌اید و هم ناراحتید که بعضی از چیزهایی را که دوست دارید را باید ترک کنید؟ برای نجات از این وضعیت کاغذی را بر دارید و در سمت راست آن چیزهایی که به دست می‌آورید را یادداشت کنید و در سمت چپ چیزهایی را که از دست می‌دهید را بنویسید. تکلیف خود را با مقایسه کردن مشخص کنید.

اگر خواستید با امام علیه السلام باشید و همیشه یاد و نام او کانون جان و زندگی‌تان را صفا بخشد، راهش این است که بودن با

او را لذت و در جبهه مخالف او قرار گرفتن را مایه رنج بدانید. خیلی‌ها برای بودن با معشوقشان، سختی‌ها را تحمل می‌کنند. و این سختی‌ها برای آنان لذت دارد. فکر کنید تاکنون چه رنج‌هایی را به خاطر بعضی از کارها تحمل کرده‌اید. آیا تحمل آن سخت بوده است؟ زندگی مهدوی با سختی‌ها، راحت است ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۱ یعنی همراه با سختی، آسانی است. نه این که بعد از سختی آسانی است. مهدویت انگیزه و نیرویی به شما می‌بخشد که نه تنها احساس رنج نمی‌کنید، بلکه آن چیزی که برای بعضی‌ها سخت و ناگوار است، برای شما آسان و گوارا است. مهدویت به شما هویت، آرمان و امید می‌دهد.

■ سوال حیاتی دوم

چرا با امام باشم؟ چرا زندگی مهدوی داشته باشم؟
 آیا می‌دانید برای خوب بودن به هیچ دلیل و علتی نیاز نیست ولی برای بد بودن چندین علت نیاز است؟ خوبی و

پیوند با امام زمان علیه السلام در فطرت ماست. قهر و جدایی و بد بودن در ذات هیچ کس نیست. همه انسانهای عالم از ظلم بدشان می‌آید. هیچ انسان سالمی از عدالت روی گردان نیست. اساس مهدویت نیز ظلم ستیزی و عدالت محوری است. لذا همگان شیفته منجی و خواهان آمدن او هستند. شما بر اساس فطرت پاک پا به عرصه وجود گذاشته‌اید. خوبی جزء ذات شماست. بدی‌ها اضافه‌هایی است که زندگی شما را تهدید می‌کند. برگشتن به اصالت و پاسخ به ندای فطرت، جدایی و دوری از کجی‌ها و قرار گرفتن در صراط مستقیم یعنی هویت و ماهیت انسان و بر خلاف این بودن یعنی بحران هویت و نیاز به صدها دلیل!

* زندگی مهدوی، درمان بحران‌های زندگی است *

سعی کنید این دو سوال حیاتی را بارها از خودتان پرسید. وقتی این دو سوال حیاتی را پاسخ دادید، لازم است یک کارت شناسایی جدید برای خودتان انتخاب کنید. چه نامی برای خودتان انتخاب می‌کنید؟ چه تاریخی برای تولد خودتان

می‌نویسید؟ می‌توانید مشخصات جدید را به دیگران نیز اعلام کنید.

زندگیتان را بر اساس مشخصات جدید بنا نهید. با اطرافیان بر اساس شخصیت جدید برخورد کنید، از خود پرسید: اکنون چه شخصی هستید؟ نو و تازه نفس بکشید.

مهم‌ترین چیز در زندگی مهدوی، روابط است (هر انسانی رابطه‌هایی دارد).

| | | |
|---|---|-------|
| <ul style="list-style-type: none"> - خدا (و حجت او) - خود (عقل و غریزه) - دیگران (هم‌نوعان) - طبیعت (همه اشیاء) - عوالم دیگر (برزخ، قیامت) | } | انسان |
|---|---|-------|

انسان مهدوی در روابط خود علاوه بر دریافت بیشتر به فکر بخشش است. ضمناً باید به علایم و نشانه‌های هشدار دهنده در تیرگی روابط بسیار حساس بود. روابط شما همیشه صمیمی و عاشقانه باشد. دل‌سوز دیگران باشید. برای رابطه

عمیق و پایدار به محاسن طرف مقابل بنگرید. از خود پرسید چه خدمتی می‌توانید برای او انجام بدهم؟
عاشق باشید نه کاسب! به فکر بذل و بخشش بیشتر از سود و درآمد باشید.

امروزه بخشنده‌ترین مخلوق هستی، امام زمان علیه السلام است هیچ فردی هم از او مهربان‌تر نیست. او به همه می‌بخشد بدون آنکه نیاز، توقع و چشم‌داشتی داشته باشد. بنابراین کسی که می‌خواهد زندگی مهدوی داشته باشد، باید سعی کند، تا جایی که می‌تواند اخلاق و رفتارش را مثل امامش کند.

راه

آیا خدا برای ما «راه» آفریده است؟ آیا برای ما مسیری مشخص کرده است؟ ما معتقدیم خداوند متعال برای ما «امام» را راه قرار داده است. در دعای ندبه می‌گوئیم: «این السبیل بعد السبیل» و در زیارت جامعه عرضه می‌داریم: «انتم صراط الاقوم» حالا که مشخص شد خداوند متعال برای هدف و غرضش، راه

آفریده است بگوئید تاکنون با راه‌های معمولی چگونه بوده-
اید؟

تا حالا گم شده‌اید؟ مسیری را اشتباه رفته‌اید؟ تا حالا چه چیزهایی گم کرده‌اید؟ آیا پیدایش کرده‌اید؟ تا حالا خودتان را گم کرده‌اید؟ چگونه خودتان را پیدا کرده‌اید؟ اگر در بچگی گم شده باشید، حتما گریه کرده‌اید. الان اگر گم شوید اصلا گریه نمی‌کنید. چرا؟ الان اگر مسیری را اشتباه بروید، حتما سریع بر می‌گردید. چون شما را از مقصدتان دور می‌کند. مسیر زندگی شما الان چگونه است؟ به مقصدی که باید بروید، منتهی می‌شود؟ راستی چیزهای که تاکنون گم کرده‌اید، آنها را پیدا کرده‌اید؟ خوب فکر کنید، اگر الان پیدایش کنید، خوشحال می‌شوید؟

بعضی‌ها خودشان را گم کرده‌اند و حتی نمی‌دانند که گم شده‌اند. وضعیت شما چگونه است؟ برای مشخص شدن وضعیت‌تان دقت کنید جهت حرکت شما به کدام طرف است. آیا حاضرید همین راه را ادامه بدهید؟ هر انسانی در احاطه و محاصره‌ی راه‌های متفاوتی است. شما حاضر به پیمودن کدام جاده و رفتن کدامین راه هستید؟ هم در مقابل و

هم در پشت سر و هم در اطراف، راههایی وجود دارد، بهترین و تنهاترین راه کدام است؟

«امام مهدی علیه السلام تنها راه است.»^۱

سعی کنید از این راه منحرف نشوید. این راه را گم نکنید.

دست انداز

هر راهی موانع و دست اندازه های مربوط به خودش را داراست. همه ی زندگی ها دارای مشکلات است. زندگی مهدوی نیز خالی از این مسائل نیست. شما با زندگی مهدوی چگونه دست اندازهای مقابلتان را پشت سر می گذارید؟ خودتان را گول نزنید.

از خود پرسید: آیا تاکنون موانع سر راهتان شما را کلافه و ناراحت ساخته است؟ آیا تا به حال به هدفی بدون برخورد با موانع رسیده اید؟ آیا راهی بدون موانع وجود دارد؟

۱. «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك.» مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام. آقای صادق سهرابی این زیارت را با عنوان «تنها راه» شرح کرده است و انتشارات مهر محبوب تهران آن را چاپ کرده است.

در زندگی برای به دست آوردن چه چیزی در فکر و تلاش هستید؟ برای برخورد نکردن با چه موانعی وقت صرف می‌کنید؟ راستی شما در ذهن‌تان مسائل و مشکلات را حل می‌کنید؟ یا مسئله درست می‌کنید؟ برخی‌ها همیشه مسئله سازند. بعضی‌ها هم معتقدند ذهن قدرت الهی برای حل مشکل و مسائل است. نه ایجاد مسئله، شما چطورید؟ ولی الان باید از ذهن خود کمک بگیرید و یک سوال اساسی از خودتان پرسید.

* امام زمان علیه السلام کجاست؟ ما کجا هستیم؟ *

برای پاسخ به این سوال و حل این مسئله یادتان باشد که از قانون توانگران و موفقان استفاده کنید. افراد موفق برای خود یک قانون اساسی دارند؛ هرگز بیش از ده درصد از اوقات خود را صرف فکر کردن به مشکل نکنید و همیشه نود درصد از وقت خود را صرف یافتن راه حل نمایید. این مسئله همیشه یادتان باشد: وجود موانع، تنها به این معنی است که باید عزم خود را برای رسیدن به هدف‌های ارزشمند، جزمتر کنید.

هیچ زندگی بدون دست انداز، مانع و مشکلات نیست. زندگی شما چگونه است؟ مشکلات زندگی را چگونه حل می‌کنید؟ پشت و پناه شما کیست؟ فکر می‌کنید چه خصلت، خصوصیت، مهارت، توانایی و طرز فکر و عقیده‌ای می‌تواند جواب‌گوی دست‌اندازهای زندگی باشد؟

خیلی‌ها وقتی مشکلشان سخت و پیچیده می‌شود از امام مهدی علیه السلام کمک می‌خواهند ولی می‌خواهم بدانم چرا ما از ابتدای هر کاری و قبل از پیدایش مشکل و دست انداز به یاد امام عصر علیه السلام نباشیم؟

زندگی مهدوی یعنی: در همه حال با یاد حضرت زندگی کنیم. اول، وسط و آخر همه‌ی کارها امام مهدی علیه السلام باشد. قبل از مشکل، زمان سختی و بعد از دست اندازها، امام زمان علیه السلام را فراموش نکنیم. اهل بیت دل‌های خودشان را با یاد امام مهدی علیه السلام تسلی می‌دادند سختی‌ها با یاد او قطعاً قابل تحمل و شیرین خواهد شد. ضمن آنکه بسیاری از مشکلات به برکت او رفع و دفع می‌شود. به امتحانش می‌ارزد. زندگی خود را مهدوی کنید تا شاهد آثار، برکات و خیرات آن باشید.

سرنوشت

در زندگی به دنبال چه هستید؟ قصد دارید به کجا برسید؟
در نظر دارید کدام سکو را فتح یا کدام مدال را کسب یا
کدامین نظر را جلب کنید؟

خیلی‌ها می‌گویند: «زندگی بر ما تحمیل شده است،
انتخاب معنی ندارد، باید همان راهی را رفت که سرنوشت
برای ما رقم زده است». بارها از سراسر کشور پهناور ایران با
من تماس گرفتند و این جملات را با گویش‌های مختلف
برایم گفته‌اند. آخرین بار خانمی از شیراز تماس گرفته بود و
می‌گفت: در خانواده‌ای به دنیا آمده‌ام که پدرم معتاد است،
خواستگارها به چشم یک دختر معتاد نگاه می‌کنند. چرا من
در یک خانواده خوب به دنیا نیامده‌ام؟ و...

تا کنون شما از خودتان پرسیده‌اید که چرا در این خانواده
به دنیا آمده‌اید؟ چرا آغاز زندگیتان این گونه بوده است؟
پاسخ من این است: آیا همه افراد که مشابه شما بودند، همین
مسیر را رفتند؟ چند نفر را سراغ دارید و می‌شناسید با این که
بستر خانواده مناسب نبوده، ولی الان کارشان درست است.

بهترین مثالی که بارها تاکنون شنیده و گفته‌اید را به خاطر بیاورید. همان «سگ اصحاب کهف و پسر نوح» را می‌گوییم. هیچ کس در دنیا مجبور نیست. انسان تنها موجود مختار است. طبیعت مجبور است. یک درخت سیب نمی‌تواند امسال بگوید خدایا خسته شده‌ام می‌خواهم امسال گلابی، هلو بدهم. تکامل او به بار نشستن سیب است. اگر شما هم چون در این خانواده به دنیا آمده‌اید، این گونه زندگی را مجبورید، با درخت فرقی ندارید. اما شما انسان هستید. هم می‌توانید بهترین و هم می‌توانید بدترین باشید. تمام کارها خصوصا سعادت یا شقاوت به دست خود شماست. تاکنون چند بار خداوند متعال را به خاطر داشتن چنین پدر و مادری شکر کرده‌اید؟ موقعی که نوبت تولد ما بود، خداوند می‌توانست ما را در اروپا و در یک خانواده مسیحی، یهودی، بودایی و... خلق کند. اما چرا در ایران؟ و چرا در یک خانواده مسلمان؟! حالا که در ایران به دنیا آمده‌ایم، چرا در این خانواده؟ حتما علتی داشته و دارد. برای خداوند متعال فرقی نکرده و نمی‌کند که خانواده‌ام فقیر، دانشمند، ثروتمند، بی‌سواد و... باشد. پس چرا مرا و شما را در این خانواده و این زندگی قرار

داده است؟ به جهت این که خالق ما می‌داند که بهترین بستر برای رشد و تعالی ما چگونه باید باشد. شاید اگر خانواده‌ام فقیر بودند به کفر کشیده می‌شدم و شاید اگر خانواده‌ام ثروتمند بودند، مستی ثروت مرا به بی‌راهه می‌برد. لذا خداوند بهترین را به من ارزانی کرده است.

«ما بهتر می‌دانیم یا خدا؟» «برای خدا چه فرقی می‌کند؟»

پس چرا این گونه تفکرات، دست و پای انسانها را بسته و حرکت و تلاش را سلب کرده است؟ زیر این جمله خط بکشید:

* فقط مهم نیست که از کجا آغاز می‌کنید، مهم آن نقطه‌ای

است که برای خاتمه بر می‌گزینید. *

اکثر موفقین جهان هدف و نقطه خاتمه را خوب دیدند و حرکت کردند، لذا مهم نیست این که شما چه کسی بوده یا هستید، مهم این است که چه کسی می‌خواهید بشوید.

اطلس، یک انسان ضعیف و لاغر مردنی با چهل و سه کیلو وزن بود، اما از قوی‌ترین مردان جهان شد. چرا؟ ادیسون، مخترع برق را چند بار از مدرسه اخراج کردند؟ آیا چرچیل

دانش آموز فقیری نبود که از لکنت زبان رنج می‌برد اما در جوانی برنده جایزه نوبل شد؟ در کتاب‌های روانشناسی صدها نمونه را نام برده‌اند تا نشان دهند که نقطه خاتمه را ظریف و دقیق بدانیم. هیچ کس در جهان نیست که زندگی مشابه نداشته باشد. هر جور که بخواهید می‌توانید زندگی کنید. برخی می‌گویند: در کودکی یتیم شده‌ایم و چاره‌ای نداشتیم. اما باید گفت، بهترین انسان هستی؛ حضرت محمد ﷺ در کودکی یتیم شد.

بهر است تمام راه‌های «بهانه» را مسدود و در شاهراه و اتوبان «بهاء» با سرعت پیش روید بهترین راه در زندگی شاهراه امامت و ولایت است که امروزه منحصر در وجود مبارک امام مهدی علیه السلام است. «اگر انجام او باشد، بهترین آغاز است.» زندگی بدون او نفس کشیدن در تاریکی‌ها و تباهی‌هاست. زندگی با یاد و نام او بهترین سیر و حرکت است. چشیدن طعم واقعی حیات است.

زندگی فرایند ساخت و ساز است، آن چه امروز انجام دهید، سرنوشت شما را می‌سازد، آینده را الان می‌سازید. آینده شما تحت تاثیر کاری است که امروز انجام می‌دهید.

«هر کجا هستید، همان جا را نقطه آغاز زندگی
مهدوی قرار دهید».

آیا عمل، کار و فعالیتی وجود دارد که عکس العمل
نداشته باشد. هیچ کس نمی‌تواند «جو» بکارد ولی «گندم» درو
کند. آیا می‌توانید امروز کاری انجام دهید که سال بعد، ماه
بعد، روزهای بعد نتیجه خوبی داشته باشد؟ چه قدر شهامت و
شجاعت دارید؟ آیا حاضرید تغییری صورت بدهید که
خیلی‌ها حاضر به ریسک آن نیستند؟ همین الان کاری انجام
دهید که می‌دانید صد در صد امام مهدی علیه السلام از آن راضی و
خشنود است. زندگی مهدوی خود را استارت بزنید. حرکت
و سفر را آغاز کنید. زندگی مهدوی یک سفر بسیار مقدس،
یک پرواز دل‌انگیز، زندگی بر وفق مراد و یک زندگی پر از
امید، نشاط است.

زندگی مهدوی طلوعی بسیار زیباست که هیچ‌گاه غروب
ندارد، مانند نفس کشیدن در یک صبح بهاری، نشستن کنار
جوی آب در فصل تابستان و برداشت محصول در پاییز و

اسکی در زمستان است. تمام فصل‌ها و لحظه‌ها نور و نشاط،
شور و عشق است.

فصل دوم : عشق

*زندگی مهدوی زندگی عاشقانه است *

شناخت‌ها، عشق‌ها را پدیدار می‌سازد. آقای صفائی
حائری می‌نویسد: «معرفت و شناخت، عشق را سبز می‌کند و
به وجود می‌آورد. عشقی که بدون شناخت باشد، همان جذبه-
ای است که اتم‌ها را به هم پیوند داده است. این عشق ارزش
ندارد که انتخاب انسان نیست. شناخت خوبی‌ها در انسان عشق
را زنده می‌کند و شناخت بدی‌ها نفرت را و این عشق و

نفرت انسان را به حرکت می‌اندازند، جلو می‌آورند و یا فراری می‌دهند.^۱

عشق در زندگی، اعمال و رفتار را دست خوش تغییر و تحول می‌سازد. عشق بعضی چیزها را می‌گیرد و خیلی چیزها را هدیه می‌کند. اگر خواب و خوراک را و یا چیزهای کم اهمیتی را بگیرد، در عوض شور، هیجان، هدف، آرمان و نیرو می‌دهد. گاهی مواقع برای به دست آوردن، مجبورید تلاش بیشتر کنید؛ صبح‌ها زودتر از بستر جدا و شب‌ها دیرتر به خانه و یا بستر برگردید. شب‌های امتحان یادتان هست؟ بچه‌هایی که برای کنکور درس می‌خوانند را دیده‌اید؟ اگر عاشق امام زمان علیه السلام باشیم، زندگی ما چگونه است؟

آیت الله وحید خراسانی حفظه الله در این باره می‌گوید:

«اگر دوستی پیدا شد، شما را می‌رساند. اگر علاقه پیدا شد، پشت کوه قاف هم که باشد، شما را می‌کشاند و بالاخره به محبوب می‌رساند. حالا چطور برساند. قانونی که تحت ضابطه بیاید، ندارد. می‌

رسی... باید محبت به امام زمان علیه السلام پیدا کنید. هیچ گنجی، هیچ راهی، هیچ ذکری و وردی، هیچ طلسم و اسمی بالاتر از این (محبت) نیست. نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به درگاه و پیشگاه شاه عالم امکان، محبت به آن بزرگوار است... باید محبت مستقر شود... اصل الاصول، جوهر الجواهر و عصاره همه کلمات یک کلمه است: باید به امام زمان علیه السلام محبت پیدا کنی. (البته) باید محبت شدید شود. خود محبت، راه‌ها را باز می‌کند و تو را به او نزدیک می‌کند.»^۱

شاید عاشق شدن و تغییر زندگی دادن بسیار ساده و ابتدایی به نظر برسد اما بدانید آغاز آن همراه با سختی و پیچیدگی‌هاست. مثلاً شما تصمیم می‌گیرید امروز خوب باشید و از بدی‌ها جدا شوید. بلافاصله بدی‌ها به شما پیشنهاد و مهیا می‌شوند. شما تصمیم گرفته‌اید رژیم لاغری بگیرید، همان موقع به مهمانی مفصل با غذاهای خوشمزه دعوت می‌شوید.

۱. سودای روی دوست، ص ۱۰۵

شما تصمیم می‌گیرید اهل صرفه‌جویی اقتصادی و پس‌انداز شوید، همان روز دچار خسارت مالی می‌شوید، یخچال، لوله، آبگرمکن خانه خراب می‌شود. لذا برخی‌ها می‌گویند: ولش کن، نخواستیم، نمی‌شود و...

سنجش عشق

آیا حاضر هستید خود را بیازمایید؟ آیا تمایلی به سنجش خود دارید؟ آزمون شما پاسخ به این سوال است: چه قدر عاشق امام زمان علیه السلام هستید؟ آیا می‌دانید یکی از بهترین راه‌های زندگی مهدوی فقط عشق است؟

خیلی‌ها معتقدند: «برای این که زندگی پرمایه‌تری داشته باشید، بهترین راه این است که دامنه عواطف و احساسات خود را وسعت دهید. توجه داشته باشید که فقط با تغییر مرکز و یا تغییر حالت جسمانی، می‌توانید قلمرو عواطف خود را گسترده‌تر کنید.»^۱

۱. به سوی کامیابی، ج ۴، ص ۶۸.

چنان چه روحیه، احساس، عاطفه و عشق مهدوی بیابید، زندگی پرمایه‌ای خواهید داشت. دل دادگی به یوسف زهرا علیها السلام عالمی دارد. شمع عاشقی را همین امروز حتما روشن کنید. نگذارید رابطه‌های سرد و تاریک بین شما و حجت الهی ادامه یابد. کاری که همین امروز هر موقع خواستید و توانستید انجام می‌دهید این است:

وضو گرفته و رو به قبله خطاب به امام عصر علیه السلام عرضه می‌دارید: السلام علیک یا صاحب الزمان! آقا جان! مرا کمک کن آن گونه که شما می‌خواهید زندگی کنم.

قرار نیست در زندگی مهدوی، قوانین سخت، مشکل، محدود، خشک، پیچیده و بی روح وضع شود که قادر بر انجام آن نباشیم. برای خشنود ساختن امام علیه السلام راه‌های بسیاری وجود دارد. فاصله زیاد بین خود و امامتان قائل نباشید. قرار نیست قضیه مهم و پیچیده‌ای اتفاق افتد تا مورد عنایت حضرت قرار گیرید. فاصله گرفتن از بدی یعنی نزدیک شدن به خوبی و امام خوبی‌هاست. جلب رضایت امام عصر علیه السلام و زندگی با نام و یاد او را عالی و موفقیت در این سنجش را درخشان بدانید.

❁ عشق برتر

زندگی پر از معشوق‌هاست و ما عاشق آفریده شده‌ایم. زندگی مهدوی یعنی توجه به کسی در این هستی، هیچ کس و هیچ چیز بالاتر از او نیست باید مهم را فدای مهم‌تر کنیم. آقای صفایی حائری می‌نویسد:

«من جوانی را سراغ داشتم سخت وابسته‌ی لباس و قیافه‌اش بود، حتی وسواسی داشت که پارچه‌اش از کجا باشد و دوختش از فلان و مدلش از بهمان. برای دوستی با او همین بس بود که از لباسش و اتویش و قیافه‌اش تحسین کنی و یا از طرز تهیه‌ی آن چیزی بررسی. او عاشق ظاهرسازی و سر و وضع مرتب بود و به این خاطر از خیلی‌ها بریده بود... تا این که عشقی بزرگ‌تر در دلش ریخت و با دختری آشنا شد و با هم سفری کردند و در راه تصادفی. جوانک در آن لحظه‌ی بحرانی از رنج‌های خودش فارغ بود و خودش را فراموش کرده بود و به محبوبه‌اش می‌اندیشید و سخت به او مشغول بود. او به خاطر پانسمان محبوبش به راحتی لباس‌هایش را پاره می‌کرد و زخم‌ها را می‌بست و راستی سرخوش بود که خطری

پیش نیامده. هنگامی که عشق بزرگ‌تر دل را بگیرد عشق‌های کوچک‌تر نردبان آن خواهند بود.^۱

عشق برتر کیست؟ چه کسی از همه مخلوقین بالاتر و برتر است؟ عاشق او شویم. هر کسی و هر چیزی لایق عشق نیست. هر کس سزاوارتر، بی نیازتر، کامل‌تر و زیباتر است، در دل جای دهیم.

آیا شما حاضر هستید هر کسی را درون خانه خود جای دهید؟ درون دل نیز جای هر کسی و هر چیزی نیست.

نقطه تمرکز

نقطه تمرکز زندگی و ذهن شما چیست؟ غالباً چه تصوراتی دارید؟ چه مسائلی در ذهن شما طبقه‌بندی شده است؟ فایل‌های ذهن شما چه چیزهایی را بایگانی کرده است؟ آیا تاکنون ویروسی شده است؟

تصور، تصویر و تصمیم شما درباره زندگی و حیات چیست؟ آیا می‌دانید سرنوشت شما در گرو این سه چیز است؟

۱. مسئولیت و سازندگی، ص ۴۱.

هیچ مسئله‌ای در شرایط زندگی به اندازه این سه موضوع تاثیرگذار نیست. اگر، اگر، اگر... شما هیچ یک یا یکی از این سه چیز را نداشته باشید، این خود نوعی تصور، تصمیم و تصمیم است.

از شما می‌خواهم همین امروز این سه مسئله مهم را در سه لحظه کوتاه اما بسیار حساس درست کنید تا کیفیت زندگی‌تان بالا رود و تغییرات شگرفی پدید آید. هر چه تصور کنید، به هر چه فکر کنید، به هر مسئله‌ای توجه داشته باشید، همان جور اتفاق می‌افتد. یکی از رازهای موفقان جهان این است که به نتایج دل‌خواه فکر می‌کنند، تمرکز می‌کنند، تصور می‌کنند، کی می‌خواهید موفقیت را در آغوش بگیرید؟ هر انسانی می‌تواند در یک لحظه به امور زیادی توجه داشته باشد. اما فقط به چند مورد می‌تواند آگاهانه دقت کند. پس با سرعت، موفقیت را که در چند قدمی شماست، صید کنید. شکار آن آسان است فقط این دو سوال را جواب دهید: آیا شخص موفق‌تری هستید؟ آیا می‌دانید موفقیت و شکست را هر کس خودش به وجود می‌آورد؟ فرمول بسیار ساده‌ای دارد؛ اگر موفقیت‌های خود را بررسی کنید، در می‌یابید که از

نتیجه یک رفتار و یا یک عمل راضی هستید و هم چنین کاری که انجام نداده‌اید یا از نتیجه آن رضایت ندارید را شکست تفسیر می‌کنید. فکر می‌کنید امروز چه کاری انجام دهید، انسان موفق‌تری هستید؟ فکر می‌کنید الان چه کاری انجام دهید، امام زمان علیه السلام شما را موفق می‌داند؟ فقط می‌خواهم بدانید «تحقیقات پژوهشگران، پیوسته نشان داده است که افراد موفق معمولاً به سرعت تصمیم می‌گیرند و وقتی انجام کاری را درست بدانند به آسانی از تصمیم خود بر نمی‌گردند، بر عکس اشخاص شکست خورده معمولاً دیر تصمیم می‌گیرند و تصمیم خود را به آسانی عوض می‌کنند. هر گاه تصمیم شایسته‌ای گرفتید، آن را رها نکنید.»^۱

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام دو شاخصه برای انسان موفق (مؤمن) بیان می‌فرماید: ۱- سعی ۲- سرعت. «ساع سریع نجی»^۲؛ انسان تلاشگر با سرعت، نجات می‌یابد. لذا تلاش و سرعت

۱. به سوی کامیابی، ج ۴، ۲۷.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۶: «شغل من الجنة و النار امامه ساع سریع نجی و طالب بطیء رجا و مقصر فی النار هوی.»

در بخشیدن مهدویت به زندگی‌تان را فراموش نکنید. فردای بسیار دیر است.

بنابراین، اگر مطمئن باشید که به هر خواسته‌ای خواهید رسید و طعم هیچ شکستی را نخواهید چشید، چه چیزی می‌خواستید؟ چه می‌کردید؟ آیا دقت کرده‌اید که هر وقت احساس خوبی از خود دارید، دیگران هم بهتر از همیشه به نظر می‌رسند؟ وقتی از خودمان بدمان می‌آید از دیگران نیز متنفر هستیم، تصویری که در ذهن ماست، دقیقاً تعیین می‌کند که چه رفتاری از ما سر می‌زند. منشأ تمام کارهای ما تصور، تصویر و تصمیم ماست.

* ما همانیم که معتقد به آنیم *

از این روست که دکتر ماکسول مالتز نویسنده کتاب پرفروش «سایبرنتیک روانی» می‌نویسد: «هدف تمام روان‌درمانی‌ها تغییر تصویر است که فرد از خویش‌تن دارد»^۱

زندگی هر فردی معنایی است که به تجربه‌های خود می‌دهد، شما چه تجربه‌هایی اندوخته‌اید؟ شما به حوادث تلخ و شیرین زندگی‌تان چه معنا و مفهومی بخشیده‌اید؟

* بخشیدن معنای مثبت به حادثه‌ها و تجربه‌ها اساس زندگی مهدوی است *

بعضی خیلی محدود و کوچک هستند. مثلاً حاضر به کمک و فریادرسی نیستند. وقتی جویا می‌شویم می‌گویند: خودم در حادثه‌ای یا مسئله‌ای احتیاج به کمک داشتم ولی کسی کمکم نکرد. پس من هم کمک نمی‌کنم. در حالی که می‌تواند از این مسئله تجربه شیرین نیز بیاموزد و بگوید روزی مشکل داشتم و کسی کمکم نکرد. پس هر فردی کمک خواست حتماً نیازمند است. پس با کمک نکردن، مشکلتش را افزون نسازم. انسان مهدوی مانند امامش بزرگ منش و آقا است.

به راستی شما خودتان را چه قدر بزرگ و عالی مقام می‌دانید؟ من شنیده‌ام انسانی که جرات اندیشیدن به اندیشه‌های

بزرگ را دارد، بزرگ و بزرگوار است. در این دنیا، هیچ مطلبی والاتر از بحث مهدویت نیست.

خیال شما را راحت کنم، محور مهم در زندگی مهدوی خودتان هستید. هر کس شخصا باید خواهان این مسئله باشد.^۱ آموزه‌های این کتاب هیچ فایده‌ای برای شما ندارد مگر این که شخصا اقدام کنید. هر شخص با تفکر و تصورش زندگی خود را می‌سازد. با پی بردن به مقام و جایگاه خود و ارزش‌های ذاتی و اکتسابی زندگی واقعی را برای خود رقم می‌زند.

یکی از راهکارهای موفقیت این است که باید قدر ارزش‌های خود را بدانید. تمام موفقین عالم قبل از رسیدن به سکوی موفقیت قدر ارزش‌های خود را دانستند. شما چگونه‌اید؟ شاید به شما برای به دست آوردن موفقیتی تریک گفته باشند. اگر بلافاصله بگویید شانس بود، اتفاقی بود، نمی‌دانم چه شد، ابراز این گونه کلمات حکایت از پی نبردن

۱. در برخی از همایش‌ها می‌پرسند: «چرا دولت، صدا و سیما و... برای مهدویت و زندگی مهدوی اقدامی انجام نمی‌دهد؟ ما نمی‌توانیم. منابع ما محدود است». غافل از همه تلاش‌ها و بی تفاوتی به نقش خود.

به ارزش‌هاست همیشه بعد از شنیدن اظهار نظرات، تبریک‌ها و پیام‌ها بدون تکبر و غرور بلافاصله بگویید: متشکرم. انسان‌های موفق خودشان را قبول دارند. بنابراین برای زندگی مهدوی نباید خودتان را دست کم بگیرید. اعتماد به خدا و عزت نفس داشته باشید، اعتماد به نفس را رها سازید. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۴۹ سوره نساء می‌نویسد: «اینکه غربی‌ها می‌گویند آدمی باید اعتماد به نفس داشته باشد و بعضی‌ها از نویسندگان ما نیز دنبال آنان را گرفته اند درست نیست، چون دین خدا چنین چیزی را بعنوان فضیلت نمی‌شناسد و مذاق قرآن کریم نیز آنچه خدای متعال در قرآن کریم فضیلت دانسته اعتماد به خدا و افتخار به بندگی اوست.»^۱

ناگفته پیداست که بعضی‌ها خودبین هستند، خود را محور می‌دانند، غرور دارند. متکبرند. اینها زندگی شیطانی دارند. شمایی که زندگی مهدوی دارید به خود و خواسته‌های خود احترام می‌گذارید. یعنی بدون این که دچار غرور و تکبر باشید قدر خود را می‌دانید و در رفع و دفع بدی‌های خود

می‌کوشید. خالصانه قدر ارزشهای خود را می‌دانید. لازم نمی‌دانید خوب بودن خود را به رخ دیگران بکشید. در حالی که تمام سعی و توان شما برای القای ارزش‌ها به دیگران است.

* عمیق‌ترین لذت زندگی و موفقیت دائمی، خوب بودن با

دیگران بدون خودنمایی است *

برای کمک به جهان و جهانیان بیاندیشید. امام مهدی علیه السلام امام همه هستی و جغرافیاست. شما نیز جهانی فکر کنید. همیشه راه‌حل‌های جهانی با قدم‌های کوچک شروع شده است. تنها مسئله‌ای که ما را محدود می‌کند، تصور و تعهد ماست. اگر خود را جهانی بدانید، کار جهانی می‌کنید!

تاکنون قهرمان ملی یا جهانی را از نزدیک دیده‌اید؟ آیا مایل هستید به دنبال یک قهرمان در وجود خودتان باشید؟ به نظر شما قهرمان چگونه پدید می‌آید؟ شما هم همان کار را بکنید. قهرمانان افرادی هستند که در سختی‌ها شجاع و مقاوم هستند، شما هم همین‌گونه باشید. آیا قهرمانان انسانهای کامل هستند؟ هیچ عیب و نقصی ندارند؟ پس با داشتن نقص می‌توانید قهرمان شوید.

نجات

الامام... المنجی من الردی^۱: امام نجات دهنده‌ی از سختی‌هاست.

من اتاکم نجی^۲: هر کس نزد شما آید نجات می‌یابد.

آیا تاکنون فکر کرده‌اید روزنه و پنجره نجات زندگی شما کدام سوست؟ راه نجات از بدی‌ها چیست؟ چگونه می‌توان از احساس‌های بد و رفتارهای پرخطر فاصله گرفت؟ هیچ باغبانی علف هرز نمی‌کارد و اگر تلاش هم برای از بین بردن آنها نکند، تمام باغ پر از علف هرز می‌شود. توبه و تلاش، شور و عشق، عزم و اراده مثلث نجات است. مثلی که درون را تغییر می‌دهد. سستی و تنبلی آفت زندگی مهدوی است. شور و شاد بودن، اشتیاق و عشق رمز مهدوی شدن است. همیشه به خاطر داشته باشید: زندگی مهدوی با عشق

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجج، باب نادر فی فضل الامام و صفاته.

۲. زیارت جامعه، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۲۹.

دست یافتنی است. آیا فکر نمی‌کنید چیزهای اضافه دارید؟ یا چیزهای اضافه مانند حرص، کینه، خشم، گناه و... شما را احاطه و محاصره کرده است؟ فکر نمی‌کنید با داخل شدن در این مثلث یا اگر از ذهنتان بخواهید تا یک ضلع دیگر به شما هدیه کند تا مربعی بسازید و از خیلی چیزها در امان باشید؟ فقط از ذهن خود کمک بگیرید. مشکل خیلی‌ها نداشتن تمرکز و تفکر است. آیا تاکنون پرنده‌ای که داخل اتاق شده و خود را به هر سو می‌زند تا راه خروج را بیابد، دیده‌اید؟

لذا باید ایستاد، خوب نگاه کرد که این چه زندگی است که من تاکنون داشته‌ام؟ آیا جستجوهایم، تلاش‌هایم، حرکت‌هایم و... صحیح و یا به سوی مثلث نجات است؟ چگونه می‌توان دستگیره پنجره نجات را چرخاند و پنجره را گشود؟ راه ارتقای زندگی چیست؟

کار بسیار آسانی در پیش رو دارید آیا به تازگی کاری که با اعتقادتان هم سو نباشد، انجام داده‌اید؟ بعدش چه کار کردید؟ همان کار را الان انجام دهید. اگر راهی را اشتباه برویم، حاضر هستیم برگردیم. همیشه بازگشت به معنای عقب

افتادن نیست، بلکه به معنای جلو افتادن است. اگر راهی را اشتباه بروید و حاضر به توبه نباشید، از مقصدتان دور می‌شوید. بعضی مواقع جراحی برای ادامه حیات ضروری است. تقویت بعد از تنقیه ثمر دارد. آراستن بعد از پیراستن جلوه دارد. اگر چیز متعفن و بدبویی در خانه باشد، پاشیدن عطر و گلاب نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه موجب ضایع کردن و از دست دادن عطرها و فرصت‌ها نیز هست. شما در این باره قضاوت و پیش‌بینی کنید. آیا این مطلب صحیح است؟

این دو مسئله (قضاوت، پیش‌بینی) در زندگی خیلی مهم است. آنتونی رابینز می‌نویسد: «اگر از مطالعه طرز تفکر و نحوه عمل بزرگان و رهبران یک نکته را یاد گرفته باشم آن نکته این است که زندگانی برتر، نتیجه قضاوت برتر است... خبر خوشی که برایتان دارم این است که لازم نیست سالها رنج بکشید بلکه می‌توانید شیوه‌های افراد موفق را در هر زمینه الگوبرداری کنید... آن چه در میان همه افراد موفق مشترک است، قضاوت و ارزیابی عالی آنهاست. آقای واین گرتسکی قهرمان بزرگ هاکی نیز از این قاعده مستثنی نیست. آیا او بزرگترین، نیرومندترین و سریع‌ترین بازیکن تیم است؟

خودش چنین ادعایی ندارد. وقتی از او علت موفقیتش را پرسیدم، گفت: موقعی که سایر بازیکنان به دنبال توپ حرکت می‌کنند، من به طرف محلی می‌روم که توپ به آنجا خواهد رسید.^۱

پایان جهان به چه مسئله‌ای ختم می‌شود؟ همه‌ی ادیان قائل به آمدن و نجات جهانیان هستند. پس توپ به آن سو در حرکت است. انسانها به چه مسئله‌ای ختم می‌شوند؟ چرا همه‌ی عاقبت‌اندیشی را ترک کنیم؟ چرا ذره‌ای برای پایان خود فکر نکنیم؟ توپ عمر ما در جایی متوقف می‌شود. برای زمان توقفش فکری کنیم.

پایان و خاتمه‌ها امام مهدی علیه السلام است. چرا آغازمان نباشد؛ چرا برای ادامه انتخابش نمی‌کنیم؟ چرا همیشه با او نباشیم؟ نجات واقعی این است که او محور باشد. همه‌ی مسائل زندگی را با او بسنجیم.

لذت

راه نجات از غم و رسیدن به لذت چیست؟ آیا شادی و لذت شما فراوان است؟ چه چیزی شما را مسرور می‌سازد؟ آیا از زندگی خود به طور کامل لذت می‌برید؟

ریشه تمام لذت‌ها یا ناراحتی‌های این دنیا به اعتقاد و باور هر فردی وابسته است. شاید مسئله‌ای شما را ناراحت اما برادر شما را خوشحال کند. مثال ساده این مسئله همان باران است. اگر شما خواسته باشید در فضای باز مهمانی داشته باشید، آمدن باران برنامه‌های شما را به هم می‌زند و ناراحت می‌شوید. ولی همین باران برای کسی که قدم زدن زیر نم باران را دوست دارد مایه لذت است. بنابراین ابتدا لازم است این سوال‌ها را پاسخ دهید.

چه اعتقادی سبب تقویت یا تضعیف شماست؟

اعتقاد، ایمان، یقین و باور باعث می‌شود تا انسان بتواند به سرعت راهی را برای فرار از رنج‌ها و کسب لذت‌ها پیدا کند. برای پیروزی بر شکست‌ها و یا تسکین ناراحتی‌ها و فراوان شدن شادی‌ها و لذت‌های زندگی چه راههایی را پیموده‌اید؟

آیا موفقیت آمیز بوده است؟ به نظر شما با کسب چه باوری می‌تواند از زندگی بیشتر لذت برد؟ چه اعتقادی باعث رویدن شکوفه‌های زندگی می‌شود؟

* باور مهدویت شکوفه‌های زندگی را بارور می‌کند *

تاکنون طعم شیرین خیلی از لذت‌های مادی را در زندگی چشیده‌اید! غذاهای خوشمزه، تفریح‌های فرح‌انگیز، گردش‌های شیرین، معاشرت با دوستان عزیز و صمیمی، خریدن وسایل دوست‌داشتنی، سفرهای جالب و جذاب و دهها نمونه دیگر بخشی از لذت‌های زندگی شما بوده است.

تاکنون طعم شیرین خیلی از لذت‌های معنوی نیز را تجربه کرده‌اید! سفرهای زیارتی، حضور در مجالس دعا، توبه و استغفار، کمک به بینوایان، گریه برای سیدالشهداء علیه السلام خدمت به هم‌نوعان، یاری مظلوم و نیکی به پدر و مادر و صدها نمونه دیگر بخشی از لذت‌های زندگی شما بوده است.

چشم‌هایتان را ببندید و کمی فکر کنید. الان از یادآوری کدام یک از لذت‌ها بیشتر خوشحال می‌شوید؟ از خوردن غذای لذیذ گذشته یا کمک سال گذشته به کسی که از شما

کمک می‌خواست؟ به راستی چرا لذت‌های جسمی زودگذر
اما لذت‌های روحی ماندگار است؟ به جهت این که ما از دو
بعد تشکیل شده‌ایم: جسم و روح

جسم و روح هر دو مهم هستند. اما روح مهم‌تر است.
تاکنون هیچ داستانی تاثیرگذارتر از این حکایت در زندگیم
نخوانده‌ام. واقعا هر موقعی یادم می‌آید، دوست دارم مدتی در
این باره فکر کنم. زود نگذرم. بیشتر بدانم.

اگر چه موضوع این کتاب برای زندگی دنیا است، و قرار
نیست صحبتی از زندگی جاوید برای شما بیان کنم، اما برای
فهمیدن و بهتر زندگی کردن لازم است، این داستان را
بخوانیم.

روزی شخصی با دعوت یکی از دوستانش به سردخانه
پزشک قانونی می‌رود تا از نزدیک افرادی که جان داده‌اند را
ببیند وقتی اولین کشوی سردخانه را بیرون می‌کشند و او با
جنازه روبرو می‌شود وحشت تمام وجودش را فرا می‌گیرد.
دوستش کشوی دوم را بیرون می‌کشد وقتی پیکر بی‌جان
انسانی را می‌بیند از ترس یکه می‌خورد. این قضیه ادامه پیدا
می‌کند و دوستش ده‌ها جسد را نشان می‌دهد، اما او جسد

دهم را که می‌بیند مانند اجساد اولیه نمی‌ترسد و نمی‌هراسد. بلافاصله به راز بسیار بزرگی در زندگی اش دست می‌یابد:

از خود می‌پرسد چرا ما از انسانهای مرده می‌ترسیم. آنها با ما فرقی ندارند تنها فرق ما اینست که ما روح داریم و آنها روح ندارند ولی چه بسا از ما زیباتر و خوش‌قد و قامت‌تر باشند. اگر ارزش به روح است نه جسد پس هیچگاه یک انسان از نقص عضو معلولیت جسمی نباید ناراحت و شاکی باشد اگر سالم بودن اعضا ارزش است نباید از افرادی که داخل کشوی سردخانه خوابیده‌اند، ترسید.

بنابراین اگر بخواهیم این داستان را تبدیل به یک جمله کنیم، می‌گوییم: «ارزش به روح و معنویت است» هیچ‌گاه از نقص در جسم، کمبود ثروت و سرمایه و شکست امور ظاهری شکوه و شکایت نکنیم.

* تولید و یا مصرف محدودیت ممنوع *

زندگی مهدوی نمی‌تواند تولید این گونه محدودیت‌ها کند و یا این قبیل محدودیت‌های تولید شده را مصرف کند. باید برای زندگی مهدوی آخرین توان و قدرت نهایی را برای

دور ریختن همه محدودیت‌ها به کار بگیرید و خود را موجودی برتر از همه فرض کرده که قدرت دارید به یاری امام عصر علیه السلام بشتابید «وَنُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً».

قبول کنید که هویت شما فردی خدمت گذار به امام علیه السلام است و هر چه با این هویت سازگارتر باشید کمتر دچار بحران می‌شوید. برخی خود را بحران زده می‌کنند و خود را محدود به جسم و ظاهر می‌کنند. در حالی که انسان بسیار وسیع و عمیق است. و ابعاد مختلفی دارد و تک ساحتی نیست. حالا برای پاسخ به تمام ابعاد انسان چه مسئله‌ای سراغ دارید؟ چگونه تمام وجود انسان غرق در شادی و لذت ماندگار می‌شود؟

* پیوند با امام لذت ماندگار دارد *

چنان چه مایلید فصلی نو از لذت را در زندگی خود شاهد باشید، حتما این کار را در همین لحظه انجام دهید. اکنون یک عمل محبت آمیز را از طرف امام مهدی علیه السلام انجام دهید. فکر کنید؛ امام زمان علیه السلام الان به شما برای انجام آن عمل، امر فرمودند و شما پذیرفته و به نیابت از او مهر و محبت

می‌ورزید. به شخصی، از طرف و نیابت امام زمان علیه السلام کمک کنید.

* زندگی مهرورزی زندگی مهدوی است *

طوری زندگی کنید که دائما لذت فراوان ببرید. کاری کنید که اطرافیان طعم خوشی و لذت را بیشتر بچشند. شوق کمک و خدمت دغدغه زندگیتان باشد. سعی کنید دیگران خصوصا نیازمندان از بستگان و اقوام بهره‌های فراوان ببرند.

آرزو

آرزوی شما چیست؟ آیا حاضرید سیری در آرزوهای گذشته کنید؟ در کودکی، نوجوانی و حالا چه آرزویی داشته و دارید؟ آیا با رشد جسم، آرزوهایتان نیز رشد یافته است؟ برای به دست آوردن آرزوهایتان دنبال چه چیزهایی بوده‌اید؟ قصد دارید به دنبال چه چیزهای دیگری بروید؟ اگر کسی آرمان، آرزو و آمال نداشته باشد، برای چه زندگی می‌کند؟ اگر کسی آرزوهایش کوچک و کم باشد، خودش

چه قدر کم و کوچک است؟ بزرگترین، وسیع‌ترین و بلندترین آرزوی همه انسان‌های جهان چیست؟

شاید آرزوهایی دارید که اگر به کسی بگویید، او در جواب شما می‌گوید: «واقع بین باش، فکر واقعی داشته باش، به دنبال چیزی باش که حتماً به آن برسی و...»

معمولاً افراد ترسو این چنین صحبت می‌کنند. افرادی که به خواسته‌های خود نمی‌رسند و یا طعم شکستی را چشیده‌اند، جرات، شهامت و توکل کمی دارند. تردید و شک، آنها را محافظه کار ساخته است. اگر با عینک آنها به افراد بزرگ و انسانهای موفق نگاه کنید با معیار آنها ناسازگارند. این قانون را هیچ گاه فراموش نکنید:

* در جستجوی هر چه باشید آن را می‌یابید *

چه کسی شما را به خواسته‌ها و آرزوهایتان می‌رساند؟

دل دادگی

مهربان‌ترین فرد نسبت به شما کیست؟ آیا تاکنون فکر

کرده‌اید در این دنیا چه کسی به شما از همه دل‌سوزتر است؟

آیا دوست دارید با شخصی صحبت کنید که شما را بهتر از خودتان می‌شناسد؟ کسی که همه اسرار شما را خوب می‌داند؟ تاکنون کسی به شما دل داری داده است؟ چه احساسی داشته‌اید؟

آیا امام زمان علیه السلام اسم شما را می‌داند؟

آیا شما را می‌بیند؟ صدای شما را می‌شنود؟

امام مهدی علیه السلام همه‌ی ما را خوب می‌شناسد. از احوال همه-
ی ما با خبر هستند.

آری امام چشم خدا در میان انسان‌ها است و بر کل هستی
و همه جوامع انسانی اشراف و نظارت کامل دارد.

جز تو کسی نیست هوادار ما مونس ما، یاور ما، یار ما

امام علیه السلام هم چون پدری مهربان از شیعیان خود مراقبت می‌کند
و در بزنگاه‌ها و لحظات سرنوشت‌ساز با شیوه‌های مختلف به
یاری آنها می‌شتابد و خودش در نامه‌ای به شیخ مفید می‌فرماید:
«فانا نحیط علما بانبائکم ولا یعزب عنا شیء من اخبارکم»؛

ما بر اخبار و احوال شما، آگاهیم و هیچ چیز از
اوضاع شما، بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.

«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لانا سین لذکرکم و لولا
ذلک لنزل بکم اللاواء و اصظلمکم الاعداء»^۱

ما، در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی و اهمال
نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز
این بده و دشواری‌ها و مصیبت‌ها، بر شما فرود
می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند.

«لاننا من وراء حفظهم بالدعاء الذی لا یحجب عن
ملک الارض و السماء»^۲

چرا که ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، با
نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمان‌ها و زمین
پوشیده نمی ماند، آنان را حفاظت و نگهداری می
کنیم.

۱. همان.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.

آری امام تمام اعمال را می بیند و بر تمامی احوال مردم آگاهی و نظارت کامل دارد. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید:

«لیست یغیب عنا مؤمن فی شرق الارض و لافی غربها»^۱

هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از نظر ما غایب نیست.

و امام صادق علیه السلام درباره چگونگی این احاطه می فرماید:

«ان الدنيا لتمثل للامام مثل فلقه الحوز فلا يعزب عنه شی»^۲

آسمان و زمین در نزد امام چون پاره گردویی حاضر و نمایان است.

روشن است که اعمال شامل عمل جوارحی و جوانحی هر دو می شود نه فقط جوارحی. بنابراین هر نوع نیت و عمل که در کارنامه انسان ثبت شود امام از آن آگاه است. از بعضی

۱. الزام الناصب، ص ۶. به نقل از روزگار رهایی، ج ۲، ص ۶۴۸.

۲. اختصاص، ص ۲۱۷.

مدارک به دست می‌آید این آگاهی در همان لحظه‌ای است که انسان عمل را انجام می‌دهد و یا نیتی را در دل خود می‌گذارند.

رفاقت

زندگی بدون رفاقت معنی و مفهوم ندارد. به قول بعضی‌ها: «دل بی‌رفیق، دلی غمگین است» اما با چه کسی رفیق بشویم؟ رفیق شما کیست؟ بهترین رفیق امام زمان علیه السلام است و یا کسی که زندگی مهدوی دارد با امام زمانش رفاقت می‌کند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الامام الانیس الرفیق»^۱. امام رفیق مونس است.

رفاقت با امام مهدی علیه السلام مخصوص ایام ظهور نیست بلکه با امام غایب علیه السلام هم می‌توان انس گرفت و رفیق شد. راه انس و رفاقت با حجت خدا، ذکر و یاد اوست. یاد همیشگی، دل دادگی به او موجب انس و صمیمیت می‌شود. در ادامه امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

۱. اصول کافی کتاب الحجة، باب نادر فی فضل الامام و صفاته

الامام.... الوالد الشفيق و الاخ الشفيق و الام البره
بالولد الصغير

امام پدر دل سوز و برادر دو قلو و مادر دل سوز
نسبت به بچه کوچک است.

آیا پدر و و مادر دل سوز برای فرزند خود احساس
مسئولیت نمی کنند؟ به فکر فرزندشان نیستند؟

آیا کارهای خوب فرزند باعث افتخار و سربلندی پدر و
مادر و خطاهای او باعث سرافکنی آنها نمی شود؟

امام زمان علیه السلام برادر فداکار ماست. ما چگونه برادری
هستیم؟

زندگی ما با رفیق، پدر و مادر و برادرمان چگونه است؟ با
امام زمانما چگونه است؟

آیا فصل آن نرسیده که عشق حضرت، همه ی وجودمان را
پر کند؟

فصل سوم : رفتار

۱- یادگیری و یاد دادن احادیث مهدوی

یکی از بهترین راه‌های بهره‌مندی از معارف اهل بیت علیهم‌السلام درباره امام عصر علیه‌السلام که تاثیر به‌سزایی در ایجاد و عمق معرفت و بروز و ظهور عشق مهدوی دارد، روایات است. امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند:

«رحم الله عبدا احيا امرنا» خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده بدارد. راوی می‌پرسد: امر شما را چگونه زنده بدارد؟ امام می‌فرماید: علوم ما را

بیاموزد و به مردم یاد دهد؛ زیرا مردم وقتی خوبی‌های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند.^۱

از علما و سربازان امام زمان علیه السلام بخواهید در این عصر و زمان مجالس شما را با ذکر روایات مهدوی رونق بخشند.

بیاید تشنگی و عطش شنیدن کلام معصومین را در سراسر وجودمان پیدا کنیم. آیا تاکنون عمیقاً تحت تاثیر سخنان کسی قرار گرفته‌اید؟ فکر می‌کنید اگر سخن یکی از معصومان را مستقیماً می‌شنیدید چه حس و حالی داشتید؟

آهنگ صدا و کلام شما چگونه است؟ همیشه یک نواخت است؟ آیا تاکنون برای ادای یک کلام از آهنگ‌های مختلفی استفاده کرده‌اید؟ چه فرقی با هم دارند؟ آیا میزان تاثیر و تاثر آن یک نواخت است؟ فکر می‌کنید ائمه علیهم السلام و همه حجت‌های تاریخ وقتی می‌خواستند از موعود جهانی امام مهدی علیه السلام صحبت کنند چه حس و حالی داشتند و کلامشان چه آهنگی داشت؟

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰ «یتعلم علومنا و یعلمها الناس فان الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا»

سعی کنید یکی از احادیث مهدوی را با آهنگ دل نشین و احساسی پاک برای خود بخوانید. مهدویت بیش از دو هزار و پانصد حدیث را به خود اختصاص داده است. حیف نیست که یک درصد آن یعنی دویست و پنجاه حدیث را برای خود به صورت گنجینه‌ای پربها حفظ نکنیم؟ احادیثی که می‌تواند ما را دگرگون سازد و زندگی بسیار خوب و خوشی را به ارمغان آورد. اگر هر دو هفته یک بار یک حدیث را به اندوخته‌های خودمان اضافه کنیم، بعد از گذشت یک سال گنجی کم نظیر داریم.

شما می‌توانید برای به دست آوردن این احادیث از کتابها، سایت‌ها و افراد مهدوی کمک بگیرید ضمن آن که برای شکرانه این آغاز، هدیه دادن این مطالب به دیگران را نیز آغاز می‌کنیم.

این احادیث را با هدف آشنایی بیشتر با امام مهدی علیه السلام به طور جدی دنبال کنید. بهتر است هدف خود را مشخص کنید و حتماً آن را بنویسید. بهتر است در ابتدای هر فصلی از سال از خود پرسید: تاکنون برای رسیدن به هدف چه اقداماتی انجام داده‌اید؟ آیا برای مدتی آن را رها ساخته‌اید؟

اولین قدمی که شما را به آن نزدیک می‌کند چیست؟ چه قدمی را باید امروز بردارید؟ آیا یک سلام یک قول و یا یک برنامه‌ریزی ساده، شما را به هدفتان نزدیک می‌سازد؟

راه رسیدن به هدف، توجه و تمرکز به آن است. سعی کنید جمله‌ای درباره هدف خود با خط خودتان بنویسد و در جایی مانند روی میز کار، دیوار خانه قرار دهید تا هر روز چشم شما را بنوازد. هر موقع آن را دیدید یک یا دو ثانیه به آن توجه و تمرکز کنید.

۲- پیوسته به یاد امام علیه السلام بودن.

فراموشی شبانه‌روزی سزاوار زندگی مهدوی نیست. امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: شخص او [امام مهدی] از دیدگان مردم غایب می‌شود ولی یاد او از دل‌های مؤمنان غایب نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما (امامان) است.^۱

۱. کمال الدین، باب ۳۴، ج ۶: «یغیب عن ابصار الناس شخصه و لا یغیب عن قلوب المومنین ذکره و هو الثانی عشر منا»

لذا به ما یاد داده اند بگوئیم: «ولاتنسا ذکره»^۱ خدایا یاد او را از خاطر ما مبر و هر صبح و شام منتظر ظهور باشیم.^۲

۳- برگزاری و شرکت در مجالس مهدوی

این گونه مجالس مایه زنده شدن و صفای زندگی است. درباره این مجالس به دو نکته باید توجه داشت. الف: علاوه بر حضور، سعی کنید مجالسی نیز در خانه ی خود برگزار کنید.

ب: همه ی مجالس رنگ و بوی مهدوی داشته باشد، یعنی اگر مناسبت برای امام پنجم علیه السلام است، رنگ و بوی مهدوی داشته باشد؛ فرمایشات و سخنان امام محمد باقر علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام یادآوری شود.

۴- بیعت

صبح خودتان را با بیعت امام عصر علیه السلام شروع کنید. بگوئید: «خدایا من امروز صبح و همه ی صبح های زندگی ام

۱. کمال الدین، باب ۴۵، ج ۴۳.

۲. کمال الدین، باب ۳۳، ج ۱۷: «امام صادق علیه السلام فلیتوقعوا الفرج صباحا و مساء»

عهد و پیمان می‌بندم که هرگز از حضرت جدا نشوم. خدایا مرا از یاوران او قرار بده. مرا از کسانی قرار ده که در انجام دادن خواسته های حضرت از دیگران سبقت می‌گیرم.^۱

۵- دعا

دعا برای امام مهدی علیه السلام جزء زندگی همه ی اهل بیت علیهم السلام بوده است در زندگی مهدوی دعا برای سلامتی و ظهور حضرت بسیار تأکید می‌شود. شما می‌توانید از کتاب‌های دعا در این باره استفاده کنید.^۲

۶. فضا سازی مهدوی.

فضا و محیط مهدوی بر زندگی تأثیر می‌گذارد. شما با قرار دادن تابلویی درباره امام عصر علیه السلام در منزل و محیط کارتتان هم تأثیر گزار و هم تأثیر پذیر هستید. زنی به عطر گل‌های سرخ حساس بود، وی با دیدن عکس گل سرخ بیمارش تشدید می‌شد.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱، مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. مانند کتاب صحیفه مهدیه تالیف آقای مجتهدی سیستانی، انتشارات حاذق قم.

۳. آرامش روانی و مذهب، ص ۶۵.

آیا شما از دیدن یک تابلوی زیبا شاد نمی‌شوید؟ چرا تابلویی که ما را به یاد دلبرمان می‌اندازد را در جایی که همه روز چشممان می‌افتد نصب نکرده‌ایم؟ زینت‌بخش خیلی از خانه‌ها تابلوهای قشنگ و گل‌های زیباست. سزاوار است، جمله‌ای، قطعه‌ای، شعری، حدیثی، فرازی از یک دعا برای گل سرسید هستی نیز زینت‌بخش زندگیمان باشد.

بر اساس زندگی که می‌خواهید، رفیق و محیط را انتخاب کنید. شاید بگویید؛ سخت است، همراهان فعلی ناراحت می‌شوند. قبول دارم. راست می‌گویید. اما شما زندگیتان را انتخاب کرده‌اید. قرار است دیگران نیز مهدوی شوند. لذا باید در صدد تغییر رفتار دوستان، پدر، مادر، برادر، همسر و فرزندان نیز باشید. از آموزاندن این مطالب به خانواده نباید غافل و بی‌توجه بود. مثلاً صدقه و کمک توسط آنان صورت پذیرد.

در خاتمه می‌گوییم: خیلی از انسانهای «موفق» مانند آدم‌های شاد، ثروتمند و... زمانی در زندگی خود، بیماری، غم، فقر و چندین مشکل دیگر را شکست داده‌اند. شما هم زندگی غیر مهدوی را شکست بدهید. همه‌ی ما از لحظه تولد

تاکنون کامل و بی‌عیب نبوده‌ایم. سرزنش کردن خود و یا دیگران هیچ ثمره‌ای برای ما ندارد و چیزی را تغییر نمی‌دهد ولی با اراده پولادین می‌توانیم روش و مسیر زندگی خودمان و دیگران را تغییر دهیم.

حرف آخر

۱. ایمان داشته باشیم که اگر ما او را نمی‌بینیم، او ما را می‌بیند.
۲. حرف دل و اسرار خود را برای او بازگو کنیم. او بهترین و محرم‌ترین دوست ماست.
۳. در هر روز، یک کار که از چشمه محبت ما نسبت به او می‌جوشد، برای او انجام بدهیم.
۴. از چیزهایی که داریم، برای او خرج کنیم.
۵. دنیای ما بهترین فرصت برای عشق ورزیدن به اوست.
۶. او را شریک لحظه‌های زندگی خود کنید.
۷. دنیای ما به وسعت فکر ماست، به کامل‌ترین و بزرگ‌ترین انسان فکر کنید.

۸. خرج شدن، صرف شدن برای او فدای همه‌ی خوبی‌ها شدن است.

۱۰. حیات، نجات، فرصت، قدرت، آسایش، آرامش، آسانی، شیرینی، خوشبختی، سعادت، پاکی، انرژی، شایستگی، شکیبایی، خرسندی، محبوبیت، زیبایی و همه‌ی واژه‌های ناب در مهدویت نهفته شده است آن را دریابید.

امیدوارم خدای اطلبی با تو باشد...

پناه بی کسی با تو باشد...

تمام لحظه‌های خوب یک عمر...

به جز دلوپسی با تو باشد...

سوالات ارزیابی

* فهرستی از اهداف زندگی خودتان را بنویسید. چند تا از

این هدف‌ها، شما را به حضرت مهدی علیه السلام نزدیک می‌کند؟

مثال: اگر هدف ثروت، ازدواج، تحصیل، اشتغال باشد آیا قرب و نزدیکی به ولی خدا دارد؟ آیا می‌توان این هدف را برای حضرت ولی عصر علیه السلام صرف و خرج کرد؟

* فهرستی از ارتباطات خود تهیه کنید. آیا همه براساس رضای امام زمان علیه السلام صورت گرفته است.

مثال: اگر دید و بازدید، صله رحم، انجام واجبات داشته‌اید، آیا امام زمان علیه السلام از آن راضی است؟

* فهرستی از کارهای خود تهیه کنید. آیا کارهای شما براساس میل حجت خداست؟

بنابراین:

۱. آیا عادات من صحیح است؟ آیا امام زمان علیه السلام آن را می‌پسندد؟

۲. آیا برخوردها، گفتارها را امام مهدی علیه السلام می‌پذیرد؟

۳. آیا خیالاتی که مرا مشغول ساخته، صحیح و مطابق با خواسته‌های حجت خداست؟

۴. آیا از بدی‌ها و زشتی‌هایم کاسته شده است؟

۵. آیا فکرهای منفی و مخرب را کنار گذاشته‌ام؟

در هر ماه یک ساعت به این موارد اختصاص بدهید و سعی کنید در هر ماه روی یکی از افکار، عادات یا رفتارهای زشت دقت کنید و آن را ترک کنید.

یا در هر هفته یک ساعت این کار را انجام دهید و یا آنکه یک روز هفته را انتخاب و سعی کنید فقط در همان روز، افکار و اعمال زشت را ترک کنید؛ یعنی برای کنار گذاشتن بدی‌ها و خوب شدن قدم به قدم پیش روید.

| | | | | |
|---|---|---|---|----------------------------|
| <p>امام خشنودی برای زمان <small>عجله</small> چه کارهایی باید حذف یا اصلاح شود</p> | <p>برای نزدیک شدن چه فکرها را باید حذف یا اصلاح کنم</p> | <p>چه از جهت رفتاری امام مرا به کار مهدی <small>عجله</small> نزدیک می کند</p> | <p>چه از جهت فکری امام مرا به کار زمان <small>عجله</small> نزدیک می کند</p> | <p>در ارتباط با خدا</p> |
| | | | | <p>در ارتباط با خودم</p> |
| | | | | <p>در ارتباط با دیگران</p> |

این سه مسئله را قبل از خواب شب از خود پرسید:

| | | |
|---|-------|---|
| امروز چند فکر درباره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> داشته‌اید؟ | فکر | ۱ |
| امروز چند احساس شما درباره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> بوده است؟ | احساس | ۲ |
| امروز چند کار برای حضرت انجام داده‌اید؟ | رفتار | ۳ |

خدانگهدار

هنگامی که درباره هدف خلقت سخن می‌گوییم، می‌خواهیم از معنای زندگی و اینکه ما برای چه خلق شده‌ایم بپرسیم و اینکه انسانها در زندگی می‌بایست به دنبال چه باشند و به چه سمتی گام بردارند. بنابراین هدف خداوند در خلقت یعنی آن هدفی که خدای متعال برای مخلوقاتش معین فرموده است؛ اگر آنها در مسیری که پروردگارشان خواسته است، حرکت کنند به هدف از خلقت خود می‌رسند و اگر در غیر این مسیر قرار بگیرند به آن هدف نخواهند رسید. هدف از خلقت هر مخلوق مختاری این است که به آن چه خالق از او

خواسته است عمل کند. خداوند چنین خواسته و هدفی را به روشن ترین صورت بیان فرموده است؛

«و من جن و انس را جز برای بندگی خود نیافریدم»^۱.

بر اساس این آیه از قرآن، هدف از خلقت موجودات مختاری چون انسان‌ها و جنیان، بندگی و عبودیت خداوند است. عبودیت در معنای وسیع‌تر عبارت است از: تسلیم و فرمان‌پذیری در برابر خداوند در همه حوزه‌های زندگی و نه فقط در مسائل عبادی و رابطه‌ای که انسان با خدا دارد. آن دسته احکامی که در رابطه انسان با خداوند وجود دارند به «عبادت» مربوط می‌شوند، حال آنکه «عبودیت» تسلیم و فرمان‌پذیری در برابر خداوند در همه روابط انسان با خدا، خود، هم‌نوعان و طبیعت را شامل می‌شود. بنابراین هدف از خلقت انسان این است که آدمی تمام شئون زندگی‌اش را در محور فرمان‌بری و تسلیم در برابر خداوند قرار دهد.

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶ ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

ما در زندگی محتاج یافتن پاسخی برای این دو پرسش هستیم که چرا زندگی کنیم و چگونه زندگی کنیم؟ عبودیت پاسخی است به هر دو سوال، چرا که در دل آن دو مفهوم «معنویت و عدالت» نهفته است. «معنویت» پاسخی است به چرا زیستن و «عدالت» جوابی برای چگونه زیستن.

در حالت ایده‌آل زندگی که در آن عبودیت (به عنوان هدف خلقت) محقق می‌شود، انسان می‌بایست تنها برای خدا و برای رسیدن به او زندگی کند، چرا که تنها اوست که می‌تواند هدف حقیقی زندگی آدمی قرار گیرد و آرمانی واقعی و نه موهوم برای زندگی باشد. از طرف دیگر انسان برای رسیدن به خداوند و ملاقات او ناچار می‌بایست آنگونه که او می‌خواهد زندگی کند و زندگی‌اش را با خواسته‌ها و دستورات او که به صورت دین و توسط پیامبران در اختیار آدمی قرار داده شده است منطبق کند. بدین ترتیب بندگی کردن عبارت است از «زندگی کردن برای خدا و آنگونه که او می‌خواهد».

پیوند میان معنویت و عدالت که هدف خلقت انسان را محقق می‌سازد، زندگی را به وضع ایده‌آل آن و به اصطلاح بهشت تبدیل می‌کند و به هر میزان که عبودیت نادیده گرفته

شود زندگی به ناگواری و تباهی می‌رود و جهنم می‌شود و بر همین اساس مدل ایده‌آل زندگی انسان در جامعه نیز می‌بایست بر اساس عبودیت و هدف خلقت شکل بگیرد، از این روست که جامعه آرمانی اسلامی، جامعه‌ای است که در آن از یک سو رابطه انسان‌ها با خداوند به بهترین شکل آن برقرار است و از سوی دیگر روابط انسان‌ها با یکدیگر و طبیعت نیز عادلانه و بر اساس خواست خداوند شکل گرفته است؛ قرآن، اهداف اساسی پیامبران را در دو محور بیان کرده است: نخست، تثبیت توحید و یگانه‌پرستی و به اصطلاح تکامل رابطه انسان‌ها با خدا؛

«ای رسول گرامی ما تو را به رسالت فرستادیم تا به نیک و بد خلق گواه باشی و خوبان را به رحمت الهی مزده دهی و بدان را از عذاب بترسانی و به اذن حق خلق را به سوی خدا دعوت کنی و چراغ فروزان عالم باشی»^۱.

۱ - سوره احزاب، آیه ۴۵ و ۴۶: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا»

دوم، اجرای قسط و برقراری عدالت و به بیان دیگر تکامل رابطه انسان با هموعانش؛

«همانا ما پیامبران خود را با دلایل و معجزات فرستادیم و بر ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند»^۱.

این برنامه الهی که از سوی خداوند ارائه شده و توسط پیامبران اجرا گردیده، ثابت است و در حال تکامل، ولی مجریان برنامه زمان‌دار بوده‌اند و هر کدام مقداری از این برنامه را اجرا کرده‌اند و پیامبران بعدی آن را تحویل گرفته و ادامه داده‌اند تا به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله رسیده است و در جانشینان آن حضرت ادامه پیدا کرده است. هیچ پیامبری نیامده که برنامه پیامبر پیشین را فراموش کند و در مسیر دیگری حرکت کند بلکه دقیقاً در همان برنامه پیشین حرکت کرده و هر پیامبری بر سر سفره محصول پیامبر قبلی نشسته است؛ امدادهای غیبی، غلبه و پیروزی بر دشمنان، اخراج پیامبران و نزول عذاب، نزول عذاب و نجات پیامبران و مومنان، همه و

همه از سنت‌های الهی هستند که حرکت پیامبران را در مسیر رسیدن به آخرین منزل‌گاه تاریخ که همان تشکیل حکومت الهی در سرتاسر جهان است شکل داده‌اند؛ آنجا که جامعه بشری طعم شیرین عدالت را بچشد و در سایه‌سار این عدالت با سرعت هرچه تمام به سوی هدف آفرینش که همان عبودیت خداست، گام بردارد؛ جامعه‌ای از انسان‌های صالح که زمین را به ارث خواهند برد.

«خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان بیاورند و نیکوکار گردند وعده فرمود تا آنها را در زمین خلافت بخشد آنچنان که امت‌های صالح پیامبران جانشین پیشینیان خود شده‌اند و دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مومنین پس از ترسشان، ایمنی کامل دهد تا مرا به یگانگی و بی‌هیچ شرک و ریا پرستش کنند.»^۱

۱. سوره نور، آیه ۵۵: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

چنین وضع ایده‌آلی به طور کامل در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد و ایشان رهبری جامعه جهانی انسان‌ها را به سمت هدف خلقت برعهده خواهد گرفت. حضرت مهدی علیه السلام آرمان پیوسته بشر و موعود ادیان است و تنها راه دستیابی به زندگی ایده‌آل و تحقق هدف خلقت است و «زندگی مهدوی» پاسخ مناسب و تنها گام به سوی این هدف الهی است.

«السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلک»^۱
 سلام بر او که هر کس راهی غیر از او برگزیند هلاک
 می‌گردد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

آبادان - خرمشهر - مسعود دریس

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

سوالات مسابقه

۱- هدف از خلقت انسان..... است؟

الف: بندگی ب: معرفت ج: تلاش

۲- تسلیم و فرمان پذیری در برابر خداوند متعال..... است؟

الف: شکر ب: نعمت ج: عبودیت

۳- انسان می‌بایست تنها برای..... و برای رسیدن به..... زندگی کند.

الف: خدا- او ب: رضای الهی- خشنودی او

ج: قرب- سعادت

۴- به هر میزان که..... نادیده گرفته شود زندگی به ناگواری تباهی می‌رود؟

الف: قیامت ب: عبودیت ج: مهدویت

۵- کدام گزینه پاسخی به چرا زیستن و چگونه زیستن است؟

الف: دین و احکام آن ب: امامت و مهدویت

ج: معنویت و عدالت

۶ - قرآن، اهداف پیامبران را در چه مسله‌ای بیان فرموده است؟

الف: تثبیت توحید و اجرای قسط

ب: اکمال مکارم اخلاق

ج: هر دو مورد

۷ - آرمان پیوسته بشر و موعود ادیان است؟

الف: عدالت

ب: امام مهدی علیه السلام

ج: تکامل

۸ - مهم‌ترین شاخصه‌های زندگی مهدوی چیست؟

الف: هدف‌مندی

ب: آینده‌سازی و زندگی برای حیات جاودانی

ج: هر دو مورد

۹ - ادامه‌ی فکر..... و ادامه شناخت..... است؟

الف: شناخت عشق

ب: معرفت، عمل

ج: عمل، توسل

۱۰ - اولین و تنهاترین نیاز زندگی است؟

الف: معنویت

ب: امام مهدی علیه السلام

ج: عشق و امید

۱۱ - آیه شریفه (ان مع العسر يسرا) چه معنایی دارد؟

الف: همراهی با سختی، آسانی است

ب: بعد از هر سختی، آسانی است

ج: همراه با هر سختی، آسانی است

۱۲- برای خوب بودن به چند دلیل و علت نیاز است؟

الف: ده دلیل ب: پنج دلیل ج: هیچ دلیل

۱۳- خداوند متعال برای ما..... را راه قرار داده است؟

الف: دین ب: امام ج: قرآن

۱۴- شاخصه‌های موفقیت در بیان امیر المؤمنان چیست؟

الف: سعی و سرعت ب: شناخت و عقل

ج: تلاش و خدمت رسانی

۱۵- طبق نظر علامه طباطبایی دین خدا چه چیزی را فضیلت

می‌داند؟

الف: عزت نفس ب: اعتماد به نفس ج: مبارزه با نفس

۱۶- طبق فرمایش امام رضا علیه السلام امام مانند کیست؟

الف: مادر ب: نماز ج: مولی

عزیزانی که به چهارده سوال پاسخ صحیح بدهند در

قرعه‌کشی شرکت داده می‌شوند.

پاسخنامه

۱. الف
۲. ب
۳. ج
۴. د
۵. هـ
۶. و
۷. ز
۸. ح
۹. ط
۱۰. ث
۱۱. ذ
۱۲. ر
۱۳. ز
۱۴. ح
۱۵. ذ
۱۶. ر

نام و نام خانوادگی:
آدرس:

نام پدر:

تلفن: